

. هر بار در عهد جدید اینو میگه: از روح القدس پر شدند. و صحبت کردند مخصوصاً در لوقا و اعمال رسولان. روح بر مردم میاد و اونها شروع به موعظه انجیل میکنند. اینها متنهایی هستند که به اون اشاره شده: لوقا 13:1 – 15 ، لوقا 39:1 – 41 و لوقا 67:1 – 69 . مردم سه بار در لوقا یک از روح پر میشند و هر سه بار شروع به صحبت میکنند. بعد به اعمال رسولان 2 میرسید و در اعمال 2:2 – 4 واقعه پنتیکاست رو میبینید. و بعد در اعمال رسولان 8:4 و 31:4 و 17:9 و 8:13 – 11 باز هم همین رو ملاحظه میکنید هشت بار در جاهای مختلف در اعمال رسولان و لوقا میبینید که مردم پر از روح میشند و صحبت میکنند. به این دلیل روح القدس بما داده شده. روح القدس به ما هدف میده تا انجیل رو اعلام کنیم و روح القدس نقشه های ما رو طرح ریزی میکنه. اعلام انجیلی یک پارچه از کلیسائی متحد به کل دنیا. روح القدس دنیا رو برای مسیح میخواد.

جمع بندی واضح

اینجا جمع بندی روشنی از همه این دوازده جنبه کار روح القدس در کلیسا رو میبینید. امیدوارم نگاهی اجمالی به این دوازده جنبه بما کمک کنه بتونیم لزوم کار روح القدس در زندگیمون رو ببینیم. واقعیت اینه که بدون روح القدس ما چیزی نداریم. ما نفس نداریم. خانمها و آقایان، آرامش کافی نداریم – و هیچ عطیه ای نداریم. هیچ چیز. با روح القدس همه چیز داریم. همه چیز. تمام چیزهایی که به پدر تعلق داره توسط روحش برای ما آشکار میکنه.

روح القدس :

مسئله ای قابل توجه

ما از مسئله نقش روح در کمال رد میشیم ، و بحث مان رو با اون به پایان خواهیم برد. اگه کتاب راهنما دارید از این مطلب رد بشید. اینها موضوعاتی هستند که بهشون خواهیم پرداخت: کفر گویی ، تعمید روح ، پر شدن از روح ، تجهیز شدن توسط روح ، نبوت ، زبانها و شفا .

کفر گویی به روح القدس

متی 31:12 – 32

از اینرو، شما را میگویم هر نو عگناهو کفر از انسانا مرزید همیشه، لیکن کفر به روح القدس از انسان عفو نخواهد شد. و هر که بر خلاف پسر انسان سخن بگوید، آمرزید ه شود اما کسی که بر خلاف روح القدس بگوید، در این عالم در عالم آینده، هرگز آمرزید نخواهد شد.

واضح که وقتی میخوانید: «اما کسی که بر خلاف روح القدس بگوید، در این عالم در عالم آینده، هرگز آمرزید نخواهد شد.» سنوالات زیادی به ذهنتون میاد. مردم بلافاصله به فکر فرو میرند، آیا من این کار رو کردم؟ آیا من مرتکب گناه نابحشودنی شدم؟ این سنوال خوبیه. واضح که این هشدار خیلی سختی هست که عیسی اینجا میده. به هر حال این متن رو چطور بفهمیم؟ تعریف گناه ناطاعتی عمدی از خدا هست. و کفر گویی بی اعتنائی و هتک حرمت خداست. در عهد قدیم هر کسی که به نام خداوند بی حرمتی میکرد و کفر میگفت، باید کشته میشد. لایوان 16:24

و هر که اسمیهو را کفر گوید هر آینه کشته شود، تمام جماعت او را البته سنگسار کنند، خواه مغربخواه متوطن. چونکه اسمرا کفر گفته است کشته شود.

تمام جماعت باید او را سنگسار میکردند. کفر گویی بی نهایت جدی هست. عمداً و آشکارا صحبت کردن علیه خدای قدوس، بی حرمتی به او، مسخره کردن او – کفر گویی هست. کفر گویی یعنی، تهمت زدن به خدا، مسخره کردن خدا، و توهین کردن به خدا. مرقس 7:2 میگه:

چرا این شخص چنین کفر میگوید؟ غیر از خدا یواحد، کیست که بتواند گناهان را بیامرزد؟ این عبارت رو در مورد عیسی میگفتند مردم فکر میکردند او کفر میگوید چون او ادعا میکرد قادر است گناهان را بیامرزد. گناه ناطاعتی عمدی از خدا هست. و کفر گویی بی اعتنائی و هتک حرمت خداست.

تفاوت ...

تفاوت این هست: کفر گویی علیه پسر خدا قابل بخشش هست. هر کسی که سخنی بر علیه پسر انسان بزند بخشیده میشود، اما هر کسی بر علیه روح القدس حرف بزند بخشیده نخواهد شد. سخن گفتن بر علیه پسر و بی حرمتی به او قابل بخشش هست. راه بخشش توبه هست. این چیزیه که پولس در اول

تیموتائوس 13:1 – 14 :

اگر چه در گذشته به او دشنام می دادم و جفا می رسانیدم و اهانت می کردم اما ، خدا به من رحم کرد ،

زیرا من بی ایمان بودم و نمی دانستم چه می کردم. و خداوند فیض سرشار خود را بر من جاری ساخت و آن ایمان و محبتی را به من عطا نمود که در اتحاد با مسیح نصیب **ما می گردد**.

او نجات یافته بود. اصولاً هر ایماندار می‌تونه کفر گفته باشه چون زمانهائی هستند که ما تصادفی چیز هائی می‌گیم که توهین نسبت به خدای پسر هست. زیر سنوال بردن نیکوئی، حکمت ، و وفاداری خدا یکی از این موارد هست. همه اینها با فیض قابل بخشش هست. اما کفر گوئی به روح قدوس خدا قابل بخشش نیست. عیسی اینجا چی میگه؟ دلیلی که کفر گوئی به روح قدوس خدا غیر قابل بخششه این هست که کفر گوئی به روح القدس رد کردن راه بخشش هست. ما در مورد کارهای روح القدس صحبت کرده ایم. روح القدس احیا میکنه. روح القدس تنها کسیه که در قلب ما کار میکنه، روح ما را وادار میکنه. اگه ما بر علیه روح القدس حرف بزنیم و به او کفر بگیم – تنها کسی رو که میتونه ما رو به سوی خدا بیاره رد میکنیم. این بی ایمانی عمدی هست. ایکاش وقت کاف داشتیم و میتونستیم تمام متن متی 12 رو عمیقاً بررسی کنیم. در این متن میبینیم مردم معجزات عیسی رو دیده اند، که او دیو ها رو اخراج میکنه، گناهان رو میبخشه، اما او رو متهم میکنند که فریبکار و دیو زده هست. اونها می‌گند «عیسی به این دلیل می تواند ارواح ناپاک را از مردم بیرون کند زیرا خودش شیطان و رئیس دیوهاست» با وجود تمام شواهد که حاکی از مسیح بودن و الوهیت عیسی هست. اونها می‌گند نه، بی ایمانی عمدی. سر پیچی مصرانه. بسیاری از این رهبران مذهبی هرچه معجزات بیشتری میدیدند، بیشتر عیسی رو رد میکردند. اونها معجزات زیادی دیده بودند، اما با سماجت او رو انکار میکردند. اینکه عیسی جسم پوشیده رو در مقابلهت ببینی و او رو بشناسی و رد کنی و محکومش کنی این انکاری قطعیه نهایت انکار هست. پس تصویر کلی اینه که انکار منجر به محکومیتی دائمی میشه و او میگه نه در این عصر و نه در عصر آینده آمرزیده نخواهد شد. این انکار روح القدس هست که مسیح رو به حرکت در میاره. بی ایمانی عمدی. یک بی ایمانی عمدی، تکذیب مصرانه، انکار دائمی منجر به محکومیتی ابدی میشه. با خودتون فکر میکنید خوب من اینکار رو کردم؟ اینجا سنوالی مطرح میشه: آیا وقتی روح شما رو به طرف مسیح میکشه، در بی ایمانی عمدی زندگی میکنید؟ و در رد کردن او اصرار میکنید، در انکار دائمی خود میمانید؟ این منجر به محکومیتی دائمی خواهد شد.

مفاهیم عملی ...

مفاهیم اینها هستند: ما باید بفهمیم که گناه نابخشودنی، گناه قلب هست نه گناه به دهان و گفتار. این مهم هست. میتونید اینو یادداشت کنید: متی 12:34 – 35. از سخنان انسان نیک می توان پی برد که در باطن

او اندوخته ای نیکو وجود دارد؛ همچنین سخنان انسان بدذات نیز از اندوخته بد دل او خبر می دهد. مسئله این نیست که بگیم خوب آیا کلمات نادرستی از دهان من بیرون آمده؟ اینجا چیزی که از صحبت همیشه موقعیت قلب هست .

دومین مفهوم این هست که عاقلانه اینه که از برچسب زدن به مردم به عنوان کسی که مرتکب گناه نابخشودنی شده خودداری کنیم. دلیلش هم اینه، اگه تو دنیا کسی باشه که بیش از همه به روح القدس و مسیح کفر گفته باشه و در این مورد مقصر باشه ، گمون میکنم اون شخص پولس هست. که با سماجت مسیح رو رد میکرد و بی وقفه بر علیه مسیح حرف میزد و به هدایت روح پاسخ نمیداد اما زمانی رسید که آشکارا زندگی پولس تغییر کرد. من گمون نمیکنم هیچ کسی در هیچ کجای دنیا باشه که خارج از محدوده فیض و رحمت و بخشش خداوند باشه پس مراقب باشیم به دیگران برچسب نزنیم.

شماره یک – ما ایمان داریم که تنها خدا از قلب مردم خبر داره. شماره دو – ما با امیدی مداوم کار میکنیم و دعا میکنیم. میدونم کسانی در زندگی شما هستند – که شاید باهاشون کار میکنید و خیلی قلب سختی در مقابل انجیل دارند و مرتباً تحریکات روح القدس رو رد میکنند . این دلیل نمیشه که ما تسلیم بشیم. ما با امیدی پایدار دعا میکنیم و کار میکنیم. و در طول این مسیر باید بدونیم که به شدت نیازمند روح القدس در زندگی و خدمتمون هستیم. اگه شخصی روح القدس رو رد میکنه – این واقعاً مسئله بُغرنجیه – اگه کسی عمداً و با سماجت و مرتباً روح القدس رو رد بکنه ، پس هیچ راهی وجود نداره که او به مسیح بیاد. این غیر ممکن خواهد بود. چون او کسی رو رد کرده که تنها کسیه که میتونه او رو به مسیح بیاره. در نتیجه این غیر قابل بخشش هست و به محکومیتی دائمی منجر میشه. متوجه شدید؟ تنها چیزی که باید گفت اینه که اگر شما ایماندار به عیسی مسیح هستید و به روح مسیح در زندگیتون پاسخ دادید لازم نیست نگران کفر گونی علی روح القدس باشید. شما نسبت به روح القدس حساس هستید و اگه نمیدونید، ایمان به مسیح نشانه گوش کردن به روح القدس و پاسخ به او هست.

به هر حال کسی که روح القدس رو رد میکنه – و روح القدس تنها راهیه که میتونه او رو به نجات بیاره، روح القدس تنها کسی که میتونه او رو احیا کنه – چطور میتونه نجات پیدا کنه؟ چطور کسی که روح القدس رو رد میکنه میتونه نجات پیدا کنه؟ نکته اینجاست که بعنوان ایماندار به عیسی مسیح اگه ما روح القدس رو انکار کنیم چطور میتونیم دیگران رو به نجات هدایت کنیم؟ به این دلیل گفتم ما در زندگی و خدمتمون عاجزانه نیازمند روح القدس هستیم چون واقعیت اینه که سخت ترین قلبها میتونه با قدرت روح القدس به مسیح بیاد. اما وقتی ما انجیل رو با اونا در میون میذاریم این چیزی نیست که بتونیم بگیم قلب سخت رو نرم میکنه، این کاریه که توسط روح قدوس خدا انجام میشه. این نقل قول

زیبایی از «ادوارد مکندری بوندز» هست: مسح شیرین ترین بازدم روح القدس هست، اون باری مثل کلمه دینامیت، مثل نمک و شکر داره کلمه ای مثل تسکین دهنده، ملزم کننده، آشکار کننده، تفتیش کننده را به ذهن متبادر میکنه شنونده رویا مقصر و یا مقدس میکنه، او رو وادار میکنه مثل یک کودک گریه کنه یا مثل یک غول زندگی کنه. قلب او و جیب او رو به ملایمت باز میکنه با اینحال قدرتی مثل بهار برای شکفتن برگها داره. این مسح هدیه ذاتی نیست. در طی پروسه یادگیری بدست نمیداد. هیچ سخنوری نمیتونه اونو اظهار کنه. هیچ صنعتی نمیتونه بر اون غالب بشه. اون هده خداست. مهربی است که بر پیام آوران خودش میزنه. مقام سلحشوری آسمان هست که به برگریذگان حقیقی و به شجاعانی اعطاء میشه که در هر لحظه از زندگی با چشمانی اشکبار برای کسب این مسح بی وقفه دعا میکنند. جدیت خوب و مؤثره، نبوغ خدادادی و عالیه، لفقار روشن الهامبخشه، اما مسح موهبتی خدائی میطلبه و نیروی قدرتمند تری از جدیت و نبوغ و فکر برای گسستن زنجیر های گناه و غلبه بر قلبهای فاسد و دور از خدا هست. مسح میتونه شکافها رو مرمت کنه و کلیسا رو احیا کنه که به راه خلوص و قدرت گذشته برگرده. هیچ چیز جز مسح نمیتونه این کار رو بکنه.

تدهین کلمه قدیمی هست که به مسح روح القدس اشاره میکنه. ادوارد مکندری بوندز کتابی بسیار عالی بنام (قدرت توسط دعا) نوشته. من خوندن هر چیزی رو که بوندز نوشته توصیه میکنم. معمولاً میتونید او نهارو در قفسه های انتهائی کتابفروشی های مسیحی پیدا کنید. خیلی ارزان هستند. لازم نیست نسخه های با جلد ضخیم گرون قیمت بخرید. خوندن کتاب او زندگی های شما رو عوض میکنه. ما برای ایمان آوردن به مسیح به روح القدس نیاز داریم. بنا براین ردکردن روح القدس کفر علیه روح القدس هست و منتهی به عدم بخشودگی و محکومیت ابدی میشه. در ضمن اگه بخوایم دیگران رو به مسیح هدایت کنیم به شدت نیازمند روح القدس هستیم. این شرح کلی در متی 12 بما یادآوری میکنه که باید در روح گام برداریم تا بتونیم انجیل را با دیگران در میون بذاریم. با یکی از اعضای خانواده ایماندارى که اخیراً از افریقای جنوبی برگشته بودند صحبت میکردم. این شخص میگفت که انجیل رو با کسی در میون گذاشته و بالاخره او به مسیح ایمان آورده او میگفت اما بنظرش این منصفانه نبوده چون توسط یک مترجم که مؤسس کلیسا در اونجا بوده بشارت میداده و چون این مترجم با فرهنگ محلی آشنا بوده و اون شخص رو خوب میشناخته حرفهای او رو گلچین میکرد و در بعضی موارد چیزی اضافه میکرد و میگفت این منصفانه به نظر نمیداد چون من تنها نبودم و با مترجم دونفری به او بشارت میدادیم. من فکر کردم این عجب توصیف عالی از کار روح القدس هست. ما وقتی بشارت میدیم تنها نیستیم مخصوصاً اگه به کسی که قلب سختی داره بشارت میدیم، روحی وجود داره که به ما حرفهای القا میکنه و حرفهای ما رو

میگیره و قابل نفوذ در قلب او میکنه. اگه مردم مرتباً روح القدس رو رد کنند، اونوقت این کفر علیه روح القدس هست. اما ما با ثبات قدم کار میکنیم و در دعا ایستادگی میکنیم و امید و یقین داریم که بالاخره اونا به مسیح ایمان بیارند. این کفر علیه روح القدس بود.

تعمید یافته در روح القدس

اختلاف نظرات...

اول قرنیتیان 13:12 میگه:

پس همه ما خواه یهود ، خواه یونانی ، خواه برده ، خواه آزاد بوسیله یک روح در یک تعمید یافته ایم و همه از همان روح پر شده ایم تا از او بنوشیم .

اینجا دو اختلاف نظر کلی هست که از اونا بحث خواهیم کرد. اولین نظر این هست که تعمید در روح القدس همزمان با تبدیل هست. به عبارت دیگه وقتی به مسیح ایمان میارید، در همون لحظه تعمید روح القدس رو میگیرید. همزمان با هم اتفاق میفتند. نظر دوم اینه که تعمید در روح بعد از تبدیل صورت میگیره. خیلی ها بر این باورند که وقتی شما به عیسی مسیح ایمان میارید، بعد ها لحظه دیگری هست که در روح تعمید میگیرید. به این دلیل اونا بهش تعمید دوم روح القدس میگند.

مورد تعمید بعد از تبدیل...

اختلاف نظرها: همزمان یا بعد از تبدیل؟ مورد تعمید بعد از تبدیل، یا تعمید ثانویه روح القدس. معتقدین به این مورد میگند: شاگردان تبدیل یا نجاتشون رو قبل از پنتیکاست تجربه کردند. یوحنا 28:20 – 29
توما گفت: «ای خداوند من و ای خدای من.» عیسی گفت: «آیا تو بخاطر اینکه مرا دیده ای ایمان آوردی؟ خوشا بحال کسانی که مرا ندیده اند و ایمان می آورند.»

به عبارت دیگه شاگردان قبل از اینکه روح القدس رو در پنتیکاست دریافت کنند، نجات یافته بودند و به این دلیل عیسی به شاگردان گفت منتظر بمانند تا تعمید روح القدس رو پیدا کنند. چون چیز دیگری در راه بود. اعمال 1:4 – 8

وقتی او هنوز در بین آنان بود به ایشان گفت : « اورشلیم را ترک نکنید بلکه در انتظار آن وعده پدر ، که در خصوص آن بشما گفته بودم ، باشید . یحیی با آب تعمید می داد اما بعد از چند روز شما با روح القدس تعمید خواهید یافت.» پس هنگامیکه همه دور هم جمع بودند از او پرسیدند : « خداوندا ، آیا وقت آن رسیده است که تو بار دیگر سلطنت را به اسرائیل باز گردانی؟» عیسی پاسخ داد « برای شما لزومی

ندارد که تاریخها و زمانهائی را که پدر در اختیار خود نگهداشته است بدانید. اما وقتی روح القدس بر شما نازل شود قدرت خواهید یافت و در اورشلیم و تمام یهودیه و سامره و تا دورافتاده ترین نقاط عالم شاهدان من خواهید بود.»

اگر چه اونها قبلاً تبدیل شده بودند، اگرچه قبلاً تولد تازه یافته بودند، چیز دیگری در راه بود. پس

شاگردان بعد از تبدیل شدن تعمید روح القدس رو دریافت کردند. اعمال 2:4

همه از روح القدس پر گشتند و بطوریکه روح به ایشان قدرت تکلم بخشید به زبانهای دیگر شروع به صحبت کردند.

پس در مورد شاگردان اونها تعمید ثانویه یافتند ، تعمید در روح بعد از تبدیل شدن.

بعد طرفداران تعمید ثانویه می‌گند این الگو در سرتاسر کتاب اعمال رسولان تکرار شده. در بابهای 8،

10 و 19 . ما بخش کوتاهی رو در اینجا می‌خوانیم. اعمال 8:12 – 17

اما وقتی به مژده فیلیپس درباره پادشاهی خدا و نام عیسی مسیح ایمان آوردند مردان و زنان تعمید یافتند. حتی خود شمعون نیز ایمان آورد و تعمید گرفت و پس از آن دیگر از فیلیپس دور نشد و وقتی آیات و معجزاتی را که بوسیله فیلیپس بعمل می آمد میدید مات و مبهوت میشد. همینکه رسولان مقیم اورشلیم با خبر شدند که در سامره هم پیام خدا با استقبال روبرو شده است ، پطرس و یوحنا را پیش آنان فرستادند. وقتی آنها به آنجا رسیدند برای ایمانداران دعا کردند تا روح القدس را بیابند، زیرا آنها فقط به نام عیسی خداوند تعمید گرفته بودند و تا آن زمان روح خداوند بر آنان نازل نشده بود بنابراین پطرس و یوحنا دست بر سر آنان گذاردند و آنان روح القدس را یافتند.

اینجا گروهی از مردم هستند، که آشکارا در نام خداوند عیسی تعمید گرفته بودند، اما روح القدس رو دریافت نکرده بودند. و پطرس و یوحنا بر اونها دست گذاشتند و اونها روح القدس رو دریافت کردند. این نمونه ای از تعمید بعد از تبدیل بود.

اینجا در اعمال رسولان 10:44 – 48 پطرس رو میبینیم که به خانه کرنلیوس میره. متن اینطور میگه:

پطرس هنوز صحبت می کرد که روح القدس بر همه شنوندگان نازل شد و مؤمنان یهودی نژاد که همراه

پطرس آمده بودند از اینکه بخشش روح القدس به غیر یهودیان نیز داده شده بود دچار حیرت شدند،

زیرا میشنیدند که به زبانها صحبت می کنند و خدا را تمجید مینمایند. آنگاه پطرس گفت : « آیا کسی می

تواند مانع از تعمید این اشخاص در آب بشود؟ مگر نه اینستکه ایشان هم مانند ما روح القدس را یافته

اند؟» پس دستور داد ایشان را به نام عیسی مسیح تعمید دهند. سپس آنها از پطرس تقاضا کردند چند

روزی پیش ایشان بماند.

پس اینجا فرق هست بین تعمید در روح روح القدس و تعمید در نام مسیح. به اعمال 19 میرسید و به

انتهای این متن میرسید پولس با عده ای از شاگردان ملاقات میکند. اعمال 1:19 – 7

در آن زمان که آپولوس در شهر قرنتس بود پولس در نواحی داخلی آن استان مسافرت می کرد تا به افسس رسید و در آنجا با تعدادی شاگرد برخورد کرد. از آنان پرسید: «آیا وقتی ایمان آوردید، روح القدس را یافتید؟» آنها در پاسخ گفتند: «خیر، ما حتی خبر هم نداشتیم که روح القدس وجود دارد.» پولس به ایشان گفت: «پس چه نوع تعمیدی گرفتید؟» گفتند: «تعمید یحیی.» پولس فرمود: «تعمیدی که یحیی می داد نشانه توبه بود و در ضمن به مردم می گفت که به آن شخصی که بعد از او می آید، یعنی به عیسی، ایمان بیاورند.» وقتی آنها اینرا شنیدند به نام عیسی خداوند تعمید گرفتند. و هنگامیکه پولس بر سر آنان دست نهاد روح القدس بر آنان نازل شد و به زبانها صحبت کرده و نبوت مینمودند. این مردان جمعاً در حدود دوازده نفر بودند.

در مورد اینها میبینیم که اینها در نام خداوند عیسی تعمید میگیرند بعد در نام روح القدس تعمید میگیرند. و حتی وقتی تعمید روح میگیرند یا روح القدس بر اونها قرار میگیره اونها شروع میکنند به صحبت به زبانها و نبوت کردن. پس تعمید در روح همزمان با تبدیل هست یا بعد از تبدیل و در زمانی دیگر؟

تعریف تعمید در روح القدس...

تعریف تعمید در روح القدس. هفت جای مختلف در عهد جدید هست که از تعمید با روح یا تعمید در روح بحث میکند. در زبان اصلی هم هر دو شکل بکار رفته تعمید با روح القدس یا تعمید در روح القدس. این هفت مورد اینها هستند: چهار مورد اول از یحیی تعمید دهنده هست. همه اون متنها به موازات هم هستند. هر چهار مورد رو میتونید وقتی یحیی تعمید دهنده از تعمید دادن عیسی با روح القدس حرف میزنه ببینید.

من شما را با آب تعمی د می دهم و این تعمید نشانه توبه شما است ولی کسی که بعد از من می آید، از من تواناتر است و من لایق آن نیستم که حتی کفش های او را بردارم. او شما را با روح القدس و آتش تعمید خواهد داد. متی 3:11

من شما را با آب تعمید می دهم، اما او شما را با روح القدس تعمید خواهد داد.» مرقس 1:8
اما او چنین جواب داد: «من شما را در آب تعمید می دهم اما کسی خواهد آمد که از من تواناتر است و من لایق آن نیستم که بند کفش او را باز کنم. او شما را با روح القدس و آتش تعمید خواهد داد. لوقا

16:3

من او را نمی شناختم اما آن کسی که مرا فرستاد تا با آب تعمید دهم به من گفته بود هر گاه ببینی که روح بر کسی نازل شود و بر او قرار گیرد بدان که او همان کسی است که به روح القدس تعمید میدهد.

یوحنا 1:33

او شما رو با روح القدس تعمید خواهد داد – از عیسی صحبت میکنه. واقعه بعدی که میبینید از این واژه استفاده شده پنتیکاست هست:

یحیی با آب تعمید می داد اما بعد از چند روز شما با روح القدس تعمید خواهید یافت.» اعمال رسولان

5:1

این عیسی هست که با شاگردانش صحبت میکنه. اعمال 16:11 میگه:
و آنگاه به خاطر آوردم که خداوند فرموده بود: «یحیی با آب تعمید می داد اما شما با روح القدس تعمید خواهید یافت.»

هر دوی این آیات به پنتیکاست اشاره دارند و از این بحث میکنند که چطور شاگردان با روح القدس تعمید میگیرند – بعد عبارتی از پولس رو میبینید اونجا که مینویسه:

پس همه ما خواه یهود ، خواه یونانی ، خواه برده ، خواه آزاد بوسیله یک روح در یک تعمید یافته ایم و همه از همان روح پر شده ایم تا از او بنوشیم . اول قرن تیان 13:12

نتیجه گیری ...

نتیجه گیری. بر مبنای اون هفت متن به اعتقاد من میتونیم به این نتیجه برسیم. شماره یک: در مورد پولس، استفاده از هر سه واژه تعمید ، توسط روح، در روح ، یا باروح در صحبت هاش پیش میاد، این چیزیه که او در اول قرن تیان 13:12 میگه : ما همه توسط یک رو در یک تعمید یافته ایم. حالا اونهایی که معتقد به تعمید ثانویه هستند، در این مرحله میگویند: خوب او میگه تعمید توسط روح و دیگران از تعمید یا – یا – در روح صحبت میکنند. اما در واقع اون فرق نمیتونه مورد اعتناء باشه چون در زبان اصلی در عهد جدید، در این شرح های متفاوت اونها یکدیگر را منعکس میکنند. چیزی که پولس به ایمانداران قرن تس میگه اینه که وقتی اونها به مسیح ایمان آوردند توسط یک روح در یک بدن تعمید یافتند. وقتی ایمان آوردند همگی تعمید یافتند. اینطور نبود که برخی تعمید بگیرند و دیگران تعمید نگیرند. همه ما توسط یک روح در یک بدن تعمید گرفتیم. پس این چیزیه که پولس اینجا میگه.
این سنوالی پیش میاره، پس در مورد پنتیکاست چی میگوید؟ چه اتفاقی برای شاگردان در اونجا پیش

اومد؟ بلکه شاگردان تبدیل شده بودند. اونها قبل از پنتیکاست تولد تازه یافته بودند. به هر حال سنوالی که ما باید بررسی کنیم اینه. آیا این واقعه – این داستان چیزی عادی بود؟ به عبارت دیگر آیا این داستان چیزی که برای هر ایمانداری پیش میاد؟ آیا این برای هر مسیحی اتفاق میفته؟ اونها منتظر شدند و توسط روح القدس تعمید یافتند. آیا این چیزی که برای هر ایمانداری اتفاق میفته؟ بنظر من جوابش کاملاً واضح هست. نه! پنتیکاست یک تغییر مسیر یا دوره انتقالی منحصر بفرد در تاریخ نجات بود. این بر مبنای تمام چیزهایی هست که ما قبلاً در کتاب مقدس دیده ایم. آشکارا در پنتیکاست چیزی اتفاق میفته که بطور باور نکردنی منحصر بفرده. شاگردان عیسی در دوره ای زندگی میکردند که مرحله گذر از عهدی به عهد دیگر بود. میخوام مطمئن بشم که اینو فهمیدید منظورم از دوره انتقال یا گذر اینه: با در نظر گرفتن عیسی اونها عهد جدید رو درک کردند. اونها به مسیح صعود کرده ایمان داشتند. شکی نیست. اونها قبل از صعود به عیسی ایمان آوردند اما در مورد روح القدس تا روز پنتیکاست، اونها هنوز با تجربیات عهد قدیم از روح القدس زندگی میکردند. روح القدس هنوز در عهد جدید اونطور که در اعمال رسولان 2 شرح داده شده، نازل نشده بود. اونها تجربه ناقصی از روح القدس داشتند. پس در اعمال 2 چه اتفاقی میفته؟ اگه برگردید و به اون سه تجربه نگاه کنید، هیچکدوم اونها به عبارت تعمید در روح حتی اشاره ای هم نکردند. هیچکدوم در مورد تعمید روح صحبت نکردند. در عوض چیزی که میبینیم اینه که این درک عهد جدید از روح دقیقاً و به وضوح پیروی کردن از نقشه روح هست. منظورم اینه چیزی که در اعمال 8 میبینید اینه که سامری ها همونطور که وعده داده شده، روح رو دریافت میکنند، روح بر شما خواهد آمد و شما در اورشلیم و یهودیه و سامره شاهدان من خواهید بود. همینکه به افراد جدیدی بشارت داده میشه مثل کرنلیوس در اعمال 10، حالا میبینیم که روح بر غیر یهودیان هم قرار میگیره. این تصویر کلی در کتاب اعمال شروعی جدید هست. این به عنوان یک معیار اصلی داده نشده که بعد از این همه چیز طبق اون اتفاق خواهد افتاد، بلکه این اولین باری هست که میبینیم نقشه روح القدس باز میشه، در اعمال 10 و 19 این واقعیت رو می بینیم که آنچه را در اعمال 1:8 دیدم باز میشه. که میگه:

اما وقتی روح القدس بر شما نازل شود قدرت خواهید یافت و در اورشلیم و تمام یهودیه و سامره و تا دورافتاده ترین نقاط عالم شاهدان من خواهید بود.»

این افراد نه تنها برای اولین بار در مورد روح القدس می شنوند بلکه برای اولین بار در مورد عیسی هم می شنوند. در اعمال رسولان 10 اینها غیر یهودیان خدا ترسی هستند که پطرس نزدشون میاد و در مورد عیسی و روح القدس با اونها صحبت میکنه. بعلاوه در اعمال 19 هم همون شرایط رو میبینیم.

اینها کسانی هستند که از یحیی تعمید گرفتند. و حالا به آنها می‌گند که باید در مسیح تعمید بگیری و به روح القدس نیاز دارید. هر دو بطور همزمان. در نتیجه من فکر میکنم که عهد جدید بما تعمید بعد از تبدیل یا تعمید ثانویه روح القدس رو تعلیم نمیده. وگرنه چرا باید کتاب مقدس موضوع به این مهمی رو به وضوح تعلیم نداده باشه؟ عهد جدید همزمانی تعمید روح با تبدیل رو بما تعلیم میده. حالا میدونم کسانی که دارند این تعلیم رو مطالعه میکنند خواهند گفت، اما من تجربه ثانویه داشتم. چیزی که در زمانی غیر از تبدیلم برام اتفاق افتاده.

یادم میاد که دوستی داشتم که هر هفته باهم برای ناهار بیرون میرفتیم. ما نقطه نظر های الهیاتی متفاوتی داشتیم که این مسئله عمده ترین آنها بود. یه روز گفت که برای من دعا میکنه که تعمید ثانویه روح رو بگیرم ما برای تعطیلات تابستانی رفتیم و وقتی برگشتیم او از من پرسید آیا هفدهم جولای اتفاقی برات افتاد؟ من گفتم نه او گفت من دعا میکردم که تو اون روز تعمید ثانویه رو دریافت کنی. من گفتم پس من این فرصت رو از دست داده ام اما من هر دو رو باهم دریافت کردم عیسی و روح القدس رو همزمان دریافت کردم. من میدونم کسانی هستند که اون تجربه تعمید بعد از تبدیل رو داشتند که بهش تعمید ثانویه میگند. پس اینجا میخوام تشویقتون کنم با توجه به این مسئله به مفاهیم کاربردی فکر کنید. **مفاهیم کاربردی...**

مفاهیم کاربردی. شماره یک: من بعنوان ایماندار به عیسی مسیح معتقدم که، ما باید از تعمید خودمون مطمئن بشیم. منظورم اینه که وقتی به مسیح ایمان میاریم روح القدس رو دریافت میکنیم. نه یک چهارم روح القدس یا نصف روح القدس رو بلکه وقتی به مسیح ایمان میاریم روح خدا رو دریافت میکنیم. اعمال رسولان 2:38 – 41 میگه:

پطرس به ایشان گفت : «توبه کنید و همه شما فرداً فرد برای آمرزش گناهانتان به نام عیسی مسیح غسل تعمید بگیری که روح القدس یعنی عطیه خدا را خواهید یافت ، زیرا این وعده برای شما و فرزندان شما و برای کسانی است که دور هستند یعنی هر که خداوند ، خدای ما او را بخواند.» پطرس با سخنان بسیار دیگر شهادت می داد و آنان را ترغیب می کرد و می گفت : « خود را از این اشخاص نادرست برهانید.» پس کسانی که پیام او را پذیرفتند تعمید یافتند و در همان روز در حدود سه هزار نفر به ایشان پیوستند.

تعمید روح القدس برکت مشخص ایمانداران عهد جدید هست. این برای ایمانداران عهد قدیم اتفاق نیفتاد بلکه این برکت منحصر به ایمانداران عهد جدید هست. و تعمید روح القدس برکتی جهانی برای

ایمانداران عهد جدید هست. به عبارت دیگر همه ما اونی داریم. این هدف کلی چیزی هست که پولس در قرنتیان می‌گه:

بوسیله یک روح در یک بدن تعمید یافته ایم.

این همه واقع شد تا برکتی که خدا به ابراهیم وعده داده بود بوسیله عیسی مسیح به غیر یهودیان برسد تا ما روح القدس موعود را از راه ایمان بدست آوریم. غلاطیان 3:14

پس مطمئن باشید که تعمید یافتید. وقتی روح القدس چشمان شما رو باز کرد و قلب شما رو تغییر داد همزمان در شما ساکن شد. از این مطمئن باشید.

درثانی از طبقه بندی کردن مسیحیت بر حذر باشید. یکی از چیز هائی که از شما میترسم اینه که وقتی از تعمید ثانویه صحبت میکنیم سیستم مسیحیت طبقه بندی شده ای رو ایجاد میکنیم که در اون عده ای یک تعمید رو تجربه کردند و عده ای دو تعمید. و سطحی تمام عیار از روحانیتی بوجود میاد که عده ای به اون نائل نشدند. و این سبب پیدایش سیستمی با دو کیفیت میشه که عهد جدید چنین چیزی رو تعلیم نداده. من فکر میکنم این برای کلیسا بسیار مضر هست. اگر این حقیقت داشت فرصتهای زیادی بود که عیسی این رو میگفت یا پولس و پطرس به کلیساهائی که در عهد جدید، در کشمکش بودند میگفتند که شما باید تعمید ثانویه بگیرید یا عیسی باید در مکاشفه 2 و 3 به اون کلیساها که در کشمکش بودند، میگفت لازمه که شما تعمید ثانویه بگیرید. اما او چنین چیزی نمیگه مسیحیت درجه بندی شده که در اینجا مطرح شده وجود خارجی نداره. میخوام اینجا مراقب باشیم و اون عده از شما رو که به نوعی تجربه بعد از تبدیل داشتید تشویق کنم. و این واقعاً خطاب به خودم و کسانی هست که شاید تجربه بعد از تبدیل نداشتند. تشویقتون میکنم در داوری هاتون مراقب باشید. ما نباید بر سر کتاب مقدس سازش بکنیم و من باور نمیکنم که هیچ سندی در کتاب مقدس باشه که صحت تعمید روح بعد از تبدیل یا تعمید ثانویه روح رو تأیید بکنه. اما در عین حال ما نمیخوایم با نفی کردن تجربیات یکدیگر طرف مقابل رو مأیوس کنیم. اگه شما به نحوی تجربه دوم و یا حتی سوم و چهارم هم داشته اید، اگه چیزی تو زندگیتون بعد از تبدیل اتفاق افتاده، من نمیخوام اونو نفی کنم. شاید چیزی در زندگیتون پیش اومده، اما من فکر نمیکنم به لحاظ کتاب مقدسی عاقلانه باشه که اون رو تعمید روح به حساب بیاریم. شاید بتونیم به اون نامی بدیم که بیشتر کتاب مقدسی باشه. بله - قطعاً علانم روحانیتی هستند که ما اونا رو تجربه میکنیم. قطعاً زمانهائی در زندگی روحانی ما هست که روح القدس شاید به روشی حیرت انگیز ما رو تغییر میده. یک جهش روحانی اتفاق میفته و ما اینو حس میکنیم. اما این اسمش تعمید روح نیست. تصویر بعدی اینه فعال بودن در طلب روح القدس. گاهی به مردم گفته میشه لازمه که تعمید بگیرند. و لازمه که تعمید روح

بگیرند. و اونا رو تشویق میکنند که این کار ها رو بکنند: به تمام گناهان خودتون اعتراف کنید. از تمامی گناهان باقیمانده در زنگیتون توبه کنید. به مسیح برای بخشش گناهانتون اعتماد کنید. عرصه هائی از زندگیتون رو که به خداوند تسلیم نکردید به او تسلیم کنید. خودتون رو تماماً تسلیم مسیح بکنید و باور کنید که او شما رو به روشی جدید قوت میبخشه و شما رو با عطیه جدیدی برای خدمت تجهیز میکنه. حالا اگه شما این کار ها رو بکنید. این عالیه. قطعاً این کار رو بکنید و وقتی این کارها رو کردید، اگه چیزی واقعاً خارق العاده اتفاق بیفته تعجب نکنید. ما میگیم عرصه هائی در زندگیمون هست که تحت اطاعت روح القدس نیست. میخوایم کاملاً و تماماً تسلیم او بشیم و از گناهان اعتراف نشده در زندگیمون خلاص بشیم. این نوع تمهیدات منجر به جنبش روح القدس در زندگی ما میشه. این چیز خوبیه. اما باید در صحبت از این تجربیات، کتاب مقدس رو در نظر داشته باشیم. این تجربه تعمد روح نیست. ما هیچ مبنای کتاب مقدسی نداریم که به این گونه تجربیات، عنوان تعمد روح القدس بدیم. بلکه واژه های دیگری هست که کتاب مقدس برای اینگونه تجربیات بکار میبره مثل مسح و یا پرشدن از روح القدس. رشد در شباهت به خدا. واژه های دیگری برای این نوع تجربیات هست که بهتر و کتاب مقدسی تر هستند چون تعمد روح یقیناً ربطی به این قبیل تجربیات بعد از تبدیل نداره. تعمد چیزیه که در زمان تبدیل اتفاق میفته. در صحبت از تجربیات با روح معیارتون کتاب مقدس باشه. دنبال میوه های روح القدس باشید و بر پری از روح تمرکز کنید. از اینجا میدونیم که روح القدس در زندگی ما کار میکنه: او در ما میوه به بار میاره و ما رو پر میکنه. من واقعاً فکر میکنم پری روح، پر شدن از روح القدس چیزیه که مردم بعد از تبدیل شدن تجربه میکنند. این احساس خارق العاده ای هست. پری روح هست که بر مردم میاد و میتونه اونا رو عوض کنه و برای خدمت به روشهایی کاملاً تازه تقویت کنه. پس اگه تجربه ثانویه ای داشته اید بهترین تشویقی که میتونم بکنم اینه که واقعاً ملاحظه کنید و ببینید کتاب مقدس اون تجربه رو چطور توصیف میکنه. همینطور توصیه میکنم مراقب باشید به دیگران به عنوان مسیحی درجه دو نگاه نکنید و به مردم نگید شما باید تعمد روح القدس رو بگیرید تا به سطحی که من هستم برسید. من فکر میکنم این خوبه که همدیگه رو به طرف مسیح هدایت کنیم و تشویق کنیم که روح القدس رو بطلبیم اما نه به روشی غیر واقعی. اگه شما این نوع تجربیات بعد از تبدیل رو با روح القدس ندارید، توصیه من به شما اینه که مراقب باشید دیگران رو داوری نکنید که به اونا کمک کنید به این چیزها فکر کنند، اما خودتون در طلب روح القدس باشید و روح بیشتر و بیشتری رو طلب کنید که منجر به این پر بودن از روح القدس میشه.

پر از روح القدس

یک فرمان...

مست شراب نشوید ، زیرا شراب شما را به سوی کارهای زشت می کشاند بلکه از روح القدس پر شوید.

افسیان 18:5

اینجا فرمانی هست. پر شوید. این یک دستور هست. پر شدن از روح القدس یک دستور العمل هست نه یک پیشنهاد. این یک نصیحت مؤدبانه نیست. پر شدن از روح القدس یک توصیه نیست. بلکه فرمانی لازم الاجراست. هرکدام از ما به عنوان پیرو عیسی مسیح مقرر هست که از روح پر بشیم – فرمان داریم که از روح پر بشیم. کتاب مقدس میگوید. این فرمان خطاب به جمع هست نه به فرد. روح کلیسا رو پر میکنه. بلکه به لحاظ فردی روح در زندگی ما کار میکنه. اما او کاری جمعی هم انجام میدهد. روح کلیسا رو پر میکنه.

این عملی انفعالی هست. اینجا واقعاً مسئله جالبه. پر شوید. این کاریه که او انجام میدهد – چیزیه که ما نیاز داریم روح در ما انجام بده. نه اینکه ما روح بیشتری رو تصاحب کنیم. بلکه برعکس روح بخش بیشتری از ما رو تصاحب میکنه. بذارید روح القدس شما رو پرکنه. ما تسلیم روح میشیم که ما رو پر کنه. بدون مقاومت تسلیم او بشید. به او بگید. من در اختیار تو هستم. سهم بیشتر از آن تو. این کل مسئله هست. قبلاً به دی ال مودی اشاره کردم. یکی از داستانهای مورد علاقه من در مورد او مربوط به زمانی هست که تمام شهر میخواند که واعظی بیداد و بیداری رو موعظه کنه. همه داشتند میگفتند. لازمه که دی ال مودی رو دعوت کنیم. تا اینکه بالاخره مرد جوانی بلند شد و گفت: ما به دی ال مودی نیازی نداریم. چرا همه اینو میگوید؟ مگه روح القدس در انحصار دی ال مودی هست؟ همه ساکت شدند. مرد موقر و حکیمی از انتهای سالن برخاست و گفت: پسر من تو راست میگی روح القدس در انحصار مودی نیست. اما مودی در انحصار روح القدس هست. از این رو ما نیاز داریم که او اینجا بیداد. متوجه مسئله شدید؟ آیا زندگی شما در انحصار روح القدس هست؟ این یعنی سهم بیشتر مال او و سهم کمتر مال شما.

پر شوید – این عملی انفعالی در زمان حال و مداوم هست. این فقط رویدادی ناگهانی نیست، بلکه تجربه ای مداوم هست. به این دلیل استفان بعنوان کسی پر از روح القدس توصیف شده. او پر از روح القدس راه میرفت. تعمید روح عطیه ای هست که یکبار برای همیشه داده میشه. و اون زمانی که در موقع

نجات روح القدس وارد زندگیمون میشه. پری روح عطیه ای هست که به گرات و به منظورهای زیادی داده میشه. وقتی میگم بیاید محتاج و تشنه روح القدس باشیم منظورم همین هست. اینطور نیست که گویی در زمین بایری در بیابان نشستیم و منتظر چیزی هستیم که بنوشیم چون هیچ حسی از روح نداریم بلکه وقتی میگیم تشنه روح القدس هستیم میخوایم روح بیشتر و بیشتر و بیشتر درونمان داشته باشیم. از روح القدس پر شوید.

سه دسته...

وقتی به کتاب مقدس نگاه میکنید، میبینید کسانی که از پری روح حرف میزنند، سه دسته هستند.

پیروان عمومی مسیح. اعمال رسولان 3:6 از استفان صحبت میکنه و میگه:

پس ای برادران ، از میان خودتان هفت نفر از مردان نیک نام و پر از روح القدس و با حکمت را انتخاب کنید تا آنان را مأمور انجام این وظیفه بنمائیم

همینطور اعمال رسولان 5:6 هم از استفان حرف میزنه و میگه:

این پیشنهاد مورد قبول تمام حاضران در مجلس واقع شد و استفان مردی پر از ایمان و روح القدس وفیلپس و پروخروس و نیکاتور و تیمون و پرمیناس و نیکلاوس را که قبلا به دین یهود گرویده و اهل انطاکیه بود برگزیدند.

اعمال رسولان 24:11 از برنابا صحبت میکنه و میگه:

او مردی نیکوکار و پر از روح القدس و ایمان بود. پس عده کثیری به خداوند تسلیم شدند.

اعمال رسولان 52:13 از پولس و برنابا صحبت میکنه.

و شاگردان در انطاکیه پر از شادی و روح القدس گردیدند.

رهبران در کلیسا لوقا 15:17

زیرا او در نظر خداوند بزرگ خواهد بود و هرگز به شراب و باده لب نخواهد زد. از همان ابتدای تولد از روح القدس پر خواهد بود و بسیاری از بنی اسرائیل را بسوی خداوند، خدای آنان باز خواهد گردانید. با روح و قدرت الیاس مانند پیشاهنگی در حضور خدا قدم خواهد زد تا پدران و فرزندان را آشتی دهد و سرکشان را به راه نیکان آورد و مردمانی مستعد برای خداوند آماده سازد.»

این آیه از رهبری در کلیسا صحبت میکنه. اعمال رسولان 17:9 از زمانی صحبت میکنه که حناتیا نزد شانول رفت و دستش را بر چشمان او گذاشت. اون میگه:

پس حناتیا رفت ، وارد آن خانه شد و دست بر شانول گذاشت و گفت : «ای برادر ، ای شانول ، خداوند

یعنی همان عیسانی که بین راه به تو ظاهر شد مرا فرستاده است تا تو بینائی خود را بازیابی و از روح القدس پرگرددی.»

این زمانی هست که پولس اساساً میخواد خدمتش رو شروع کنه... و از روح القدس پرگرددی. در فرصتهای خاص خدمت، گاهی مردم از روح القدس پر میشند. اعمال رسولان 4:8 پطرس در مقابل شورا ایستاده و میخواد انجیل رو موعظه کنه. اون میگه:

پطرس پر از روح القدس جواب داد: «ای سران قوم و ای مشایخ اسرائیل،

زمانی که پولس با مردی بنام علیما مواجه میشه کتاب مقدس در اعمال رسولان 9:13 – 12 میگه: در این هنگام شانول که به نام پولس معروف شده بود پر از روح القدس شده به آن مرد چشم دوخت و گفت: «ای فرزند شیطان، ای دشمن تمام نیکی ها، ای منبع نیرنگ و تبهکاری، آیا از منحرف ساختن مردم از راه راست خداوند دست بر نمی داری؟ حالا ببین، دست خدا ترا خواهد زد و نابینا خواهی شد و تا مدتی نور آفتاب را نخواهی دید.» در همان وقت دنیا در نظر علیما تیره و تار شد و کورکورانه به اینطرف و آنطرف می گشت تا شخصی را برای راهنمایی خود پیدا کند. فرماندار که این جریان را دید ایمان آورد زیرا از تعالیم خداوند سخت متحیر شده بود.

وقتی میبینید کتاب مقدس از پری روح حرف میزنه – این روح خداست که بر ما تسلط پیدا میکنه، گاهی برای منظور خاصی در رهبری کلیسا و گاهی برای مواردی که از اون صحبت کردیم. در اون هشت مورد مختلف مردم از روح پر شدند و صحبت کردند. من فکر میکنم این عملی ناگهانی و آنی و مقتدرانه از طرف روح القدس هست که در فرصتهای ما رو پر میکنه تا انجیل رو موعظه کنیم. وقتی در محل کار یا محل زندگیتون از انجیل با کسی حرف میزنید من فکر میکنم که این پری روح هست که باعث این کار میشه. این چیزیه که کتاب مقدس در اینجا تعلیم میده، اما نه فقط برای موعظه کلام. زمانهایی هست که ما پر از روح خدا زندگی میکنیم و زندگی های ما در انحصار روح القدس هست.

چهار دستاورد ...

چهار دستاورد پری روح که در کتاب مقدس در عهد جدید بر آن تأکید شده. شماره یک. میل به

پرستش.

با استفاده از زبور و تسبیحات و سرود های روحانی با یک دیگر گفتگو کنید و با تمام دل برای خداوند بسرانید و آهنگ بسازید. بنام خداوند ما عیسی مسیح هر روز برای همه چیز سپاسگزار خدای پدر

باشید. افسسیان 19:5 - 20

روح ما رو به منظور پرستش پر میکنه. دست آورد دوم تجدید دوستی. دست آورد سوم تجدید اطاعت.

این چیزیه که بلافاصله در افسسیان 21:5 اتفاق میفته:

به خاطر احترامی که به مسیح دارید مطیع یک دیگر باشید .

بعد او در ادامه در مورد ازدواج و سرپرستی فرزندان صحبت میکنه. این حقیقت مهمی هست. ازدواج در

گرو پیری از روح هست. شما به روح نیازمندید.

ای شوهران ، چنانکه مسیح کلیسا را دوست داشت و جان خود را برای آن داد شما نیز زنان خود را

دوست بدارید. افسسیان 25:5

ای زنان شما به روح نیازمندید.

ای زنها ، طوری از شوهران خود اطاعت کنید که از خداوند اطاعت می کنید،

به طوری که برای مسیح عزت و جلال بیاره . سرپرستی بچه ها بسته به پیری روح القدس هست . چند

نفر از والدین که اینو مطالعه میکنند میتونن به لحظاتی با فرزنداناشون فکر کنند که با خودشون گفتن ،

باشه ، برای اینکه کاری نکنم که نباید بکنم ، لازمه که منحصراً در اختیار روح القدس باشم . ما نیاز

داریم که روح القدس ما رو پر کنه و بعد به ما قوت تازه ای برای اعلام بشارت انجیل بده . اعمال 4:31

هنگامیکه دعایشان به پایان رسید ساختمان محل اجتماع آنان به لرزه درآمد و همه از روح القدس

پرگشتند و کلام خدا را با شهادت بیان می کردند.

گاهی در یک رویداد ناگهانی روح القدس ما رو برای کاری خاص ، پر میکنه . همینطور این نظر هست

که ما باید دائماً از خدا بخوایم که ما رو پر کنه . منو پر کن . میخوام که قسمت اعظم من در اختیار تو

باشه . سهم بیشتر مال تو و کمتر مال من .

تجهیز شده با روح

با فیض او ...

پر شدن از روح منجر به گرفتن عطایا میشه . تجهیز شدن با روح . روح القدس با فیض خود ، هر

مسیحی ای رو تجهیز میکنه تا کلیسا رو برای جلال مسیح تقدیس کنه . تعریف با فیض این هست . کلمه

ای که برای عطای روحانی به کار رفته ، کاریزماتا هست . که معنی لغوی اون عطایای فیض هست .

کاریز به معنی فیض هست . به این دلیل من واقعاً دوست ندارم که کلمه کاریزماتا به گروه خاصی از

مسیحیان اشاره کنه چونکه همه ما عطایای فیض رو داریم . پس همه ما دارای عطیه هستیم . همه ما عطایای فیض رو در زندگی مون داریم . در واقع کلمه کاریزما ، کلمه ایه که در رومیان 23:6 میبینیم . زیرا مزدی که گناه می دهد موت است اما خدا به کسانی که با خداوند ما ، مسیح عیسی متحد هستند حیات جاودان می بخشد .

عطیه خدا حیات ابدی هست . هر مسیحی باید عطایا داشته باشه . ما لازمه که عطایا داشته باشیم . عطایای واقعی . عطایای فیض در هر جایی . پس بیایید که عطایا رو دریافت کنیم . هر چه عطایای بیشتری داشته باشیم ، بهتره . اینجا «با فیض او» یک برتری داره . وقتی صحبت از عطایای روحانی میشه ، یک برتری وجود داره . مهارت های طبیعی ، نشانه ای از فیض عمومی هستند . عطایای روحانی نشانه های فیض نجات بخش هستند . اول قرنیتان 11:12

اما کلیه این عطایا کار یک روح واحد است و او آنها را بر طبق اراده خود به هر کس عطا می فرماید . اینجا منظورم اینه . هر کسی صرف نظر از اینکه ایماندار به مسیح هست یا نه ، مهارت هایی طبیعی داره که نشانه فیض خدا در زندگی اونهاست . قهرمانان ورزشی خوب ، خوانندگان خوب ، کسانی که در هنر مهارت دارند ، هر هنری که میخواد باشه . ما حتی قبل از اینکه به مسیح بیاییم ، مهارت های طبیعی ای داریم که نشانه های فیض عمومی در زندگی ما هستند . اما چیزی که ما ازش با عنوان عطایای روحانی صحبت میکنیم ، تنها مهارت های طبیعی نیستند . اینها چیزهایی هستند که چون روح القدس در ما وجود داره ، به ما عطا میشن . فیض نجات بخش منجر به دریافت عطایای روحانی میشه . من فکر میکنم جا داره که تفاوت بین اونها رو بدونیم . فکر میکنم کسانی که مهارت های طبیعی با فیض عمومی خدا برای تعلیم ، قبل از آمدن به مسیح دارند ، گاهی شاید وقتی به مسیح میان ، عطیه روحانی تعلیم هم به اونها داده بشه . اینجا تفاوتی بین اونها هست . لزومی نداره که تفاوت های غیر ضروری بین این دو رو مطرح کنم . اما تفاوت عمده ای بین مهارت طبیعی و عطیه روحانی وجود داره . ، وقتی ما به مسیح ایمان میاریم ، وقتی صحبت از عطیه روحانی میشه ، چیزی که پیش میاد اینه که موهبت روحانی ای رو که به ما بخشیده شده باز میکنه . و این تعریف «با فیض» هست .
روح القدس همه مسیحیان رو تجهیز میکنه ...

روح القدس با فیضش همه مسیحیان رو تجهیز میکنه تا کلیسا رو برای جلال مسیح تقدیس کنه . روح القدس با فیضش همه مسیحیان رو تجهیز میکنه . هر مسیحی ای عطیه ای داره . اول قرنیتان 7:12

در هر فرد ، روح خدا به نوعی خاص برای خیریت تمام مردم تجلی می کند ، هیچ کس همه عطایا رو نداره . اما هر کسی حداقل یک عطیه داره . پس تمام مسیحیان عطیه ای دارند .

روح القدس به هر کدام از شما عطیه ای میدهد و هر عطیه ای به نوبه خود مهم هست. اول قرنیتیان

15:12 – 20 در باره این صحبت میکنه که چرا همه عطایا مهم هستند. اون میگه:

اگر پا بگویند: « چون دست نیستم بدن تعلق ندارم » آیا بخاطر این حرف دیگر عضو بدن نیست؟ یا اگر گوش بگویند: « بعلت این که چشم نیستم بدن متعلق نیستم » آیا به این دلیل دیگر عضو بدن محسوب نمیشود؟ اگر تمام بدن چشم بود چگونه می توانست بشنود؟ و اگر تمام بدن گوش بود چگونه می توانست ببیند؟ در حقیقت خدا جای مناسبی را به همه اعضای بدن طبق اراده خود بخشیده است اگر تنها یک عضو بود بدنی وجود نمی داشت! اما در واقع اعضاء بسیار است ولی بدن یکی است.

شما به بخشی از بدن نمیتونید بگید تو مهم نیستی و یا به بخش دیگر بدن بگید، تو بیشتر مهمی. باید اینجا مراقب باشید. ما باید مراقب خود کم بینی خودمون باشیم. منظورم از این اصطلاح ذهنیتیه که میگه من خوب نیستم. به من نیازی ندارید. اول قرنیتیان 21:12 – 26

و چشم نمی تواند بدست بگویند: « محتاج تو نیستم » یا سر نمی تواند به پا بگویند: « بتو نیازی ندارم ». برعکس، اعضائی که بظاهر ضعیفند وجودشان بیش از همه ضروری است و اعضائی را که پست می شماریم با دقت بیشتری می پوشانیم و آن قسمت از اعضای بدن خود را که زیبا نیستند با توجه خاصی می آرئیم، حال آنکه اعضای زیبای ما به چنین آرایشی احتیاج ندارند. آری، خدا اعضای بدن را طوری بهم مربوط ساخته که به اعضای پست تر بدن اهمیت بیشتری داده میشود تا به این ترتیب در بین اعضای بدن نا هماهنگی بوجود نیاید، بلکه تمام اعضاء نسبت بیک دیگر توجه متقابل داشته باشند. اگر عضوی بدرد آید اعضای دیگر در درد آن عضو شریک هستند. همچنین اگر یکی از اعضاء مورد تحسین واقع شود اعضای دیگر نیز خوشحال خواهند بود.

من فکر میکنم این یکی از شایع ترین چیزها در اکثر کلیساها هست. حدس میزنم افراد بیشماری که این مطالب رو مطالعه میکنند، اگه به کلیسای محلی ای فکر کنند که عضو آن هستند، خواه اینجا در ایالات متحده و یا هر جای دیگری، با خودشون میگن که فکر نمیکنم کلیسا واقعا به من نیازی داشته باشه. واقعیت اینه که اگه شما عضو کلیسا هستید، اگه شما پیرو عیسی مسیح هستید، پس به شما بخاطر کلیسا عطیه ای داده شده. ما باید از خود کم بینی اجتناب کنیم و مراقبش باشیم. همینطور باید مراقب خود بزرگ بینی هم باشیم. ما نباید فکر کنیم خب من عطایای زیادی دارم بنا بر این کلیسا خیلی به من نیاز داره. خود کم بینی میگه من خوب نیستم، شما به من نیازی ندارید، و خود بزرگ بینی میگه شما خوب نیستید، من به شما نیازی ندارم. خدا میگه شما به همدیگه نیاز دارید. من فکر میکنم که این یکی از هیجان انگیز ترین چیزها در بین انواع خانواده های ایمانی در دنیاست. به هر حال عده ای در

کلیسای محلی شما هستند . شما عطایای زیادی برای تقدیس کردن بدن دارید. اینجا حقیقت حیرت انگیزی هست . آگه 10 نفر در کلیسا باشند ، ده عطیه فیض و یا بیشتر در اون کلیسا وجود داره . بسیاری از مردم فقط یک عطیه روحانی ندارند . پس ما باید مراقب این چیزها باشیم و به خودمون بگیم ما به همدیگه نیاز داریم . اینجا لیستی از چهار عطیه روحانی در عهد جدید می بینید . رومیان 6:12 – 8 میگه :

بنابر این ما باید عطایای مختلفی را که خدا بر طبق فیض خود بما داده است بکار ببریم : اگر عطیه ما اعلام کلام خداست باید آنرا بفراخور ایمانی که داریم انجام دهیم. اگر خدمت کردن است باید خدمت کنیم . اگر تعلیم دادن است باید تعلیم بدهیم . اگر تشویق دیگران است باید چنان کنیم . مرد بخشنده باید با سخاوت و مدیر ، باید پرکار باشد و شخص مهربان با خوشی خدمت خود را انجام دهد .
اول قرنیتیان 4:12 – 11 میگه :

عطایای روحانی گوناگون است اما همه آنها را یک روح میبخشد . خدمات ما گوناگون است اما تمام این خدمات برای یک خداوند است . فعالیت‌های ما نیز مختلف است اما یک خدا است که در همه عمل می کند . در هر فرد ، روح خدا به نوعی خاص برای خیریت تمام مردم تجلی می کند ، مثلا روح لقدس بیکی بیان حکمت عطا می کند و بدیگری بیان معرفت . بیکی ایمان میبخشد و به دیگری قدرت شفا دادن ، به یکی قدرت اعجاز و به دیگری قدرت نبوت و به سومی عطیه تشخیص ارواح عطا می کند ، به یکی قدرت تکلم بزبانها و به دیگری قدرت ترجمه زبانها را میبخشد . اما کلیه این عطایا کار یک روح واحد است و او آنها را بر طبق اراده خود به هر کس عطا می فرماید .
اول قرنیتیان 28:12

مقصودم این است که خدا در کلیسا اشخاص معینی را بشرح زیر قرار داده است : اول رسولان ، دوم پیامبران ، سوم معلمین و بعد از اینها معجزه کنندگان و شفا دهندگان و مددکاران و مدیران و آنانیکه به زبان های مختلف سخن می گویند .
مثلا کسی که وعظ می کند طوری سخن بگوید که گویی از طرف خدا پیامی دارد و آن که خدمت می کند با قدرتی که خدا به او عطا می فرماید خدمت کند تا از این راه خدا در همه چیز به وسیله عیسی مسیح جلال یابد . آری ، جلال و قدرت تا به ابد از آن او باد ، آمین

وقتی اونها رو با هم جمع کنید ، حدود 22 عطیه مختلف خواهید داشت که در کتاب مقدس آمده به علاوه افسسیان 4:11 و اول قرنیتیان 7:7 که در اینجا اضافه نشده . این عطایا اغلب با مهارت های طبیعی منطبق هستند . بعضی در این لیست اومده که در لیست دیگر هم وجود داره . شما عطایایی مثل رهبری ،

و مدیریت رو میبینید که احتمالاً با لیست دیگر هم انطباق دارند . اونها شامل ویژگی هایی هستند که از همه پیروان مسیح انتظار میره . مثلاً تعلیم عطیه ای روحانی هست اما از طرفی هم به همه ما فرمان داده شده که برویم و همه قوم ها رو شاگرد بسازیم . برویم و تعمید و تعلیم بدیم تا مسیح رو پیروی کنند . به همه ما فرمان داده شده به هر حال تعلیم بدیم . این الزاماً بدین معنی نیست که همه ما عطیه تعلیم داریم تا به گروهی از مردم به روش خاصی تعلیم بدیم . اما حتی اگر به فرزندانتون هم تعلیم بدید که مسیح رو پیروی کنند ، این همون چیزیه که خدا تمام والدین و دعوت کرده که این کارو بکنن. وقتی به عطیه خدمت اشاره میشه نمیتونید بشینید عقب و بگید من عطیه خدمت ندارم . پس لازم نیست خدمت کنم. به همه ما فرمان داده شده ، به عنوان عضوی از بدن مسیح خدمت کنیم اما بعضی ها عطیه خارق العاده ای دارند . یک عطیه روحانی خاص خدمت . چیزی که منو کلافه میکنه اینه که وقتی صحبت از عطیه بشارت میشه ، عده ای میگن خب من عطیه بشارت ندارم پس نمیتونم مردم رو به مسیح هدایت کنم . این مطلقاً اشتباهه . شما روح خدا رو دارید پس میتونید مردم رو به مسیح هدایت کنید . با روح خدا شما قادر هستید ، آزادید و قدرت دارید که مردم رو به مسیح هدایت کنید . یقیناً اندازه های متفاوتی در مورد عطایا هست. اما بعضی از این عطایا واقعاً برای همه پیروان مسیح فرمان داده شده . و در نتیجه شما رو تشویق میکنم وقتی به اون لیست عطایا نگاه میکنید ، اونها رو بیشتر با جزئیاتش ببینید نه به طور جامع . منظورم اینجا اینه . من فکر میکنم که عطایای روحانی متنوع زیادی وجود دارند. که در عهد جدید به اونها اشاره شده. که بیانگر غنا و زیبایی بدن مسیح هستند. و فقط تعدادی محدود عطیه وجود نداره . عطایای روح منحصر به 20 عطیه ای نیستند که روح بگه این یکی از همون هاست که میخوام بهتون بدم . من فکر میکنم این لیستی که اینجا با جزئیات به اون اشاره شده شامل دهها هزار عطیه هست که روح خدا به ما میده . و فکر میکنم عطایای روحانی نسبت به ظرفیت افراد ، به اونها داده شده تا بتونن در خدمتتون مفید باشن. اما من فکر نمیکنم که لازم باشه خود اون رو در چهار چوب بعضی از عطایایی که به اونها اشاره شده محدود کنیم. چون روح خدا به هر کدام از ما بر حسب غنای خود و با سخاوت خود در بدن مسیح عطایای گوناگونی میده .

تقدیس کردن کلیسا ...

تمامی این عطایا داده شده اند تا کلیسا رو تقدیس کنند . عطایای روحانی برای خیریت همه برای خدمت

داده شده . اول قرنیتیان 7:12 میگه : در هر فرد ، روح خدا به نوعی خاص برای خیریت تمام مردم

تجلی می کند،

اول قرنیتیان 12:14 :

چون شما اشتیاق دارید صاحب عطایای روح باشید بکوشید بیشتر عطایائی را کسب کنید که باعث تقویت و پیشرفت کلیسا میباشد.

اول قرن‌تینان 26:14

ای برادران ، منظور من چیست ؟ مقصودم این است که وقتی دور هم جمع میشوید هر کس سرودی یا تعلیمی یا مکاشفه ای یا سخنی به زبان ها یا ترجمه زبان را داشته باشد ، همه این ها باید به منظور تقویت همه انجام شود.

ماهیت اصلی دیگری برای عطایای روحانی وجود داره . عطایای روحانی بر حاکمیت خدا متکی هستند .

اول قرن‌تینان 8:12

در حقیقت خدا جای مناسبی را به همه اعضای بدن طبق اراده خود بخشیده است

عبرانیان 4:2

و در ضمن ، خدا با آیات و و عجایب و انواع معجزات و عطایای روح القدس طبق اراده خود گواهی آنان را تصدیق فرمود.

او بر اساس اراده و حکمت خودش عطا میکند . عطایای روح ممکنه در قدرت متنوع باشن. عطایای

روحانی مثل ماهیچه ها هستند . اگر ماهیچه هامون رو به کار بگیریم اونها رشد میکنن و قوی تر

میشن . اگر اونها رو به کار نگیریم ضعیف خواهند شد . عطایای روح در قدرت متنوع هستند . این

چیزی که پولس در اول تیموتائوس 14:4 میگه :

نسبت به عطیه روحانی خود بی توجه نباش - عطیه ای که در وقت دستگذاری تو به وسیله رهبران کلیسا همراه با نبوت آنها به تو داده شد.

همینطور در دوم تیموتائوس 6:1 میگه :

به این سبب در وقتی که ترا دستگذاری کردم عطیه خدا به تو داده شد. می خواهم این عطیه را به یاد تو بیاورم تا آن را همیشه شعله ور نگاهداری.

عطایای روح میتونند از نظر اهمیت متفاوت باشند . به اول قرن‌تینان 5:14 – 6 نگاه کنید که میگه :

اگر همه شما به زبان ها سخن گویند خوشحالم ، ولی ترجیح می دهم که همه شما نبوت کنید زیرا اهمیت

کسی که نبوت می کند از کسی که بزبانها سخن می گوید بیشتر است ، مگر این که کسی بتواند سخن او

را ترجمه نماید تا کلیسا تقویت شود. پس ای برادران ، اگر من پیش شما بیایم و به زبانها سخن بگویم

چه سودی برای شما خواهم داشت ؟ هیچ ! مگر این که برای شما مکاشفه ای یا معرفتی یا پیامی یا

تعلیمی از جانب خدا بیاورم.

به عبارت دیگر بهتره نبوت کنید چون اون کلیسا رو بیشتر از زبان ها تقدیس میکنه . اهمیتی که بر نبوت قائل شده اند بالاتر از صحبت کردن به زبان ها در اول قرنیتان 14 هست . عطایای روح رو میشه طلب کرد . و اصولاً باید اونها رو طلب کرد . اول قرنیتان 12:31 : پس با اشتیاق خواهان بهترین عطایا باشید و اکنون بهترین راه را به شما نشان خواهم داد .

راه محبت رو پیروی کنید . . با اشتیاق دنبال عطایای روحانی باشید . اشتیاقی که کلیسا رو بیشتر تقدیس میکنه . کتاب مقدس به ما تعلیم میده که از خدا عطایا رو بطلبیم و انگیزه ها رو آزمایش کنیم . نه اینکه بگیم من این عطیه رو به این منظور میخوام . بلکه باید گفت : من میخوام کلیسا تقویت بشه خداوندا . به من عطایایی بده تا کلیسا رو تقویت کنم . این درخواستی کتاب مقدسیه . اول قرنیتان 1:14 –

4

پس همیشه در پی محبت باشید و در عین حال مشتاق کسب عطایای روح القدس و مخصوصاً عطیه نبوت باشید ، زیرا کسی که به زبان ها سخن می گوید روی سخن او با خداست نه با مردم چون دیگران آنچه را که او می گوید نمیفهمند ، زیرا او با قدرت روح القدس اسرار الهی را بزبان می آورد ، اما از طرف دیگر آنکه نبوت می کند برای تقویت و تشویق و تسلی دیگران با آنها سخن می گوید . کسی که به زبانها سخن می گوید تنها خود را تقویت می کند ، ولی کسی که نبوت می کند کلیسا را تقویت مینماید .
اول قرنیتان 12:14 میگه :

چون شما اشتیاق دارید صاحب عطایای روح باشید بکوشید بیشتر عطایائی را کسب کنید که باعث تقویت و پیشرفت کلیسا میباشد .

لازمه عطایای روحانی خود آزمایی هست . من شما رو به روشی کاملاً عملی تشویق میکنم . از خدا بخواید عطایاتون رو به شما نشون بده . واقعاً از خدا بخواید به شما حکمت بده . به علانق خودتون فکر کنید ، به آرزوهاتون و به قابلیت هایی که خدا به شما داده و بعد ضمن اینکه خدمت میکنید عطایای خودتون رو کشف کنید . عطایا برای خدمت داده شده اند . پس هر چه بیشتر در شرایط متفاوت در صحنه های مختلف فعالیت کنیم ، عطایای بیشتری خواهیم داشت . اینها عرصه هایی هستند که من احساس میکنم روح القدس به من عطیه داده یا اینها عرصه هایی هستند که آشکارا روح القدس به من عطیه نداده . شما میتونید از میوه های روح القدس تشخیص بدید که عطیه سرود خواندن به من عطا نشده . اشاره من اینجا به خصوص به رهبری پرستش هست . این احتمالاً یکی از عطایای من نیست . شما میتونید وقتی در مقابل دو هزار نفر می ایستید و سعی میکنید سرود بخونید این رو درک کنید .

برای جلال مسیح :

لازمه عطایای روحانی خود آزمایی هست بخاطر جلال مسیح . عطایای روح کلیسا رو سر افراز می‌کنه . چون هر چه عطایای بیشتری به کار بره بیشتر مسیح رو جلال میدیم .

افسیان 15:4 – 16 میگه :

بلکه در همان حالیکه حقیقت را با روح محبت بیان می‌کنیم ما باید در هر مورد در مسیح که سر است رشد کنیم. به اراده او همه اعضا مختلف بدن بوسیله مفاصلی که برای آنها فراهم شده مربوط و پیوند می‌شوند ، پس وقتی هر یک از اعضای بدن بطور جداگانه مرتب کار کند ، تمام بدن رشد می‌کند و خود را در محبت بنا می‌نماید.

عطایای روح بازگشت مسیح رو انتظار میکشه . اول قرن‌تینان 7:1 میگه :

و شما در حالیکه انتظار ظهور خداوند ما عیسی مسیح را میکشید از هیچیک از عطایای روح القدس بی نصیب نیستید .

همینطور در اول قرن‌تینان 8:13 – 12 میگه :

نبوت از بین خواهد رفت و گفتن به زبانها خاتمه خواهد یافت و بیان معرفت از میان می‌رود، اما محبت هرگز از میان نخواهد رفت. عطایای مانند معرفت و نبوت ، جزئی و ناتمام است، اما با آمدن کمال هر آن چه جزئی و ناتمام است از بین می‌رود. موقعیکه بچه بودم بچگانه حرف می‌زدم و بچگانه تفکر و استدلال می‌کردم. حالا که بزرگ شده ام از روش های بچگانه دست کشیده ام . آنچه را اکنون میبینیم مثل تصویر تیره و تار آئینه است ولی در آن زمان همه چیز را روبرو خواهیم دید. آنچه را اکنون می دانیم جزئی و نا کامل است ولی در آن زمان معرفت ما کامل خواهد شد ، یعنی به اندازه کمال معرفت خدا نسبت به من !

ما در مورد اول قرن‌تینان 13 بعداً صحبت خواهیم کرد .

سؤال ...

اینجا سؤالی هست و مسأله جالب تر میشه . آیا عطایای معجزه آسا که به اونها در عهد جدید اشاره شده ، در کلیساهای امروزی اعتبار داره ؟ منظورم از عطایای معجزه آسا اینه . بعضی ها به اونها عطایای معجزه آسا میگن و بعضی ها عطایای قابل توجه ، عطایای خاص ، عطایای مشخص یا عطایای فیض . من صراحتاً میگم که این اصطلاح آخر رو زیاد دوست ندارم چون همه عطایا عطایای فیض هستند . اما این میتونه شامل عجایب و نشانه ها ، اخراج ارواح ، نبوت ، زبان ها و شفا باشه که ما به اونها اشاره

خواهیم کرد .

دو دیدگاه ...

اساساً دو دیدگاه وجود داره . اولین دیدگاه ، دیدگاهیست که به اون توقف یا پایان میگن . این دیدگاهیست که معتقدند عطایای معجزه آسا مانند نبوت ، زبان ها ، شفا و آیات و نشانه ها همزمان با رسولان به پایان رسیده و بنا براین ، مورد قبول در کلیساهای امروزی نیست . اینجا در این مورد نقل قولی از « جان مک آرتور » هست . چهار عطیه موقتی نشانه ها شامل معجزات ، شفاه ، زبان ها و ترجمه زبان هاست . این عطایای مشخص ، یک هدف منحصر به فرد داشت . که به رسولان اعتبار ببخشه . تا مردم بدونند که این مردان همه حقیقت خدا رو بیان میکنند . اما وقتی کلام خدا تدوین شد ، عطایای مشخص یا نشانه ها دیگر مورد نیاز نبود و متوقف شد . آیا این به نظر منطقی میاد ؟ این نظریه توقف هست . این در واقع اشاره به زمانی میکنه که تدوین کتاب مقدس به پایان رسید و دیگه لزومی برای این عطایا نبود . وقتی رسولان رفتند ، دیگه نیازی به این عطایا نبود در نتیجه ، اونها متوقف شدند . نظریه بعدی نظریه تداوم هست که میگه ، عطایای معجزه آسا در دسترس تمامی پیروان مسیح هستند و بنا بر این هنوز هم در کلیساهای فعال اند . این بیشتر یک تصویر پنتیکاستی کاریزماتیک هست . یک تصویر موج سومی . مخصوصاً در نهضت پنتیکاستی زبان ها یکی از نشانه های الزامی است که نشون میده شما تعمیم روح رو دریافت کردید . بیایید به هر دوی این نظریات فکر کنیم .

نظریه پایان ...

من سعی خواهم کرد که اساساً در هر دو نظریه به یک اجماع کلی برسیم . نظریه پایان میگه که عیسی و رسولان خدمت منحصر به فردی داشتند که عطایای معجزه آسا رو میطلبید . به عیسی نگاه کنید : *ای مردان اسرائیلی به این سخنان گوش دهید . عیسی ناصری مردی بود که مأموریتش از جانب خدا به وسیله معجزات و شگفتی ها و نشانه هائی که خدا توسط او در میان شما انجام داد به ثبوت رسید ، همانطوریکه خود شما خوب می دانید . اعمال 2:22 .*

در اثر آیات و معجزات بسیاری که توسط رسولان به عمل میامد خوف الهی بر همه مستولی شده بود .

اعمال 2:43

رسولان آیات و معجزات بیشماری در میان قوم انجام می دادند و با وحدت نظر در ایوان سلیمان جمع می

شدند . اعمال 5:12

“ آن دو مدت زیادی در آن شهر ماندند و بدون ترس درباره خداوند سخن می گفتند . خداوند نیز با

اعطای قدرت به آنها برای انجام آیات و معجزات ، پیام فیض بخش خود را تصدیق می فرمود. اعمال

3:14

آیات و نشانه های معجزه اسا توسط پولس و بارنابا در بین غیر یهودیان به ظهور میرسید . اعمال

12:15 .

به دنبال سخنان پطرس همه ساکت ماندند و به گزارش برنابا و پولس در مورد آیات و معجزاتی که خدا بوسیله ایشان در میان غیر یهودیان انجام داده بود گوش می دادند.

این منحصر به رسولان بود. دومین جنبه از عطایای معجزه آسا اینه که این عطایا توسط خدا برای اعتبار بخشیدن به رسالت داده شد . به این دلیل که ما عجائب و نشانه ها و عطایای معجزه آسا رو در مورد رسولان میبینیم. چون خدا به اونها اعتبار میبخشه . به عبارت دیگه ، به سخنان اونها سندیت میدهد .

دوم قرننیاں 12:12

علائمی که رسالت مرا ثابت می کند با صبر تمام در میان شما ظاهر شد : از جمله آیات و عجایب و معجزات بود

به آخر عبرانیان 2 : 2 – 4 نگاه کنید . گوش کنید چی میگه .

صحت کلامی که به وسیله فرشتگان بیان شد چنان به ثبوت رسید که هر خطا و نافرمانی نسبت به آن با کیفر مقتضی روبرو می شد. پس اگر مانجاتی به این عظمت را نادیده بگیریم چگونه می توانیم از کیفر آن بگریزیم؟ زیرا در ابتداء خود خداوند این نجات را اعلام نمود و آنانی که سخن او را شنیده بودند حقیقتش را برای ما تصدیق و تأیید کردند و در ضمن ، خدا با آیات و و عجایب و انواع معجزات و عطایای روح القدس طبق اراده خود گواهی آنان را تصدیق فرمود.

نظریه پایان میگه رسولان این چیزها رو به کار میگرفتند و این عجائب و نشانه ها و عطایای معجزه آسا کارهای اونها ثابت میکرد . به رسالت اونها اعتبار میبخشید . اما وقتی رسولان در عرصه نبودند ، دیگر نیازی به این عطایا نبود . و اونها متوقف شدند

نظریه تداوم ...

نظریه تداوم میگه عیسی ما رو برای ادامه خدمتی که شروع کرده بود میفرسته که عطایای معجزه آسا نیز از جمله اونهاست .

باز عیسی به ایشان گفت: «سلام بر شما باد. چنانکه پدر مرا فرستاد، من نیز شما را میفرستم.»

یوحنا 21:20

و ایشان را فرستاد تا به ملکوت خدا موعظه کنند و مریضان را صحبت بخشند. لوقا 9:2

مریضان آنجا را شفا دهید و بدیشان گوید ملکوت خدا به شما نزدیک شده است. لوقا 9:10

شفا دادن. در یوحنا 12:14 می‌گه:

آمینا من به شما می‌گویم که بهمانایمان آرد، کارهایی را که نمی‌کنم و نیز خواهد کرد و بزرگتر از اینها نیز خواهد کرد، زیرا که من نزد پدر میروم.

به هر حال نظریه تداوم این رو هم می‌گه که عطایا معجزه آسا نشانه‌هایی در بین پیروان مسیح هستند

که رسولان عهد جدید نیستند. اعمال 8:6 می‌گه

اما استیفانی از فیض قوت شده، آیات و معجزات عظیم پدر میان مردم از او ظاهر میشد.

و همینطور اعمال 6:8 می‌گه

و مردم به کدلب سخنان فیلیپس گوش دادند، چون معجزات تیرا که از او صادر میگشت، میشنیدند و میدیدند،

پولس در غلاطیان 5:3 می‌گه:

پس آنکه روح را به شما عطا می‌کند و قوا در میان شما به ظهور می‌آورد، آیا از اعمال شریعتی از خبر

ایمانی کند؟

ما مشابه این چیزها رو در اول قرن 7-12 تا 10 می‌بینیم.

ولی هر کس را ظهور روح به جهت منفعت عطا می‌شود. ۸ زیرا یکی را بوساطت روح، کلام حکمت داده می‌شود و

دیگری را کلام علم، بحسب همان روح. و یکی را ایمان به همان روح و دیگری را نعمتهای شفا دادن به همان روح.

و یکی را قوت معجزات و دیگری را نبوت و یکی را تمییز ارواح و دیگری را اقسام زبانها و دیگری را

ترجمه زبانها.

او خطاب به کلیسای در قرنتس صحبت می‌کنه. پس کدومش درست هست؟ آیا اونا متوقف شدند یا نه

؟

نتیجه گیری ...

این نتیجه ای هست که من از تعالیم کتاب مقدس بیرون کشیدم. اولاً ما باید اقتدار منحصر به فرد مسیح

و رسولان در عهد جدید و انبیاء عهد قدیم رو رو محترم بشماریم.

منظورم اینه که چیزی منحصر به فرد هست که در مورد رسولان می‌بینیم. مثلاً رسولان رو در عهد جدید

به یاد میارید؟ کلمه رسولان گاهی به طور عام به کسانی اشاره می‌کنه که فرستاده شده اند. و به لحاظی

میشه گفت هر کسی که فرستاده میشه ، یک رسول هست . اما اغلب اوقات عهد جدید به این گروه از مردانی که همراه عیسی بودند و شاهدان عینی مرگ و قیام او بودند ، به عنوان رسول اشاره میکنه . البته به جز یهودا . و متیاس که بعداً اضافه شد . و پولس هم بعدها به جمع اونها اضافه شد . شکی نیست که چیز منحصر به فردی در مورد این رسولان هست . اونها خودشون رو وقف تعالیم رسالت کردند . رسولان کسانی هستند که کلام خدا رو به صورت انجیل امروزی به ما دادند . درضمن ما باید خدمت بی اندازه روح رو در کلیسای امروزی ارج بنهیم . من ایمان دارم که ما باید مراقب و هشیار باشیم فعالیت های روح رو در حوزه هایی که کتاب مقدس اون رو محدود نکرده ، محدود نکنیم . وقتی در جاهای مختلف سفر میکنم ، شهادت هایی از کارهای روح رو میبینم و میشنوم . طوری که نظیرش رو قبلاً نه دیده و نه تجربه کرده ام . حالا اگر کتاب مقدس مستقیماً به بعضی از اون چیزها اشاره میکنه ، پس باید به وضوح کتاب مقدس رو پیروی کنیم . اما اگر کتاب مقدس مستقیماً در مورد بعضی از این چیزها صحبت نمیکنه ما باید مراقب باشیم که به خدمت روح در کلیسا احترام قائل بشیم .

اینجا لازمه چند تا نصیحت عملی بهتون بکنم . چطور به این چیزها فکر میکنید ؟ اولاً توصیه من اینه که اون عطایای روحانی رو بطلبید که بیشتر کلیسا رو تقدیس میکنن . این ساده و آشکاره . کتاب مقدس به ما نمیگه دنبال عطایای معجزه آسا و یا غیر معجزه آسا بگردیم . من میگم که دنبال عطایایی باشید که کلیسا رو بیشتر تقدیس میکنه . هر چیزی که بیشتر مورد نیاز کلیسا هست اون رو بطلبید . در ثانی انجیل رابه گمشدگان برسونید . مخصوصاً به کسانی که غیر قابل دسترسی هستند و هیچ الهام دیگه ای ندارن . سعی خواهم کرد که سریع از این رد بشم . اما فکر میکنم چیزی که ما در عهد جدید مخصوصاً در کتاب اعمال میبینیم اینه . به محض اینکه کلام مسیح ، انجیل مسیح و روح مسیح وارد مکان های جدید میشه ، اونجا با ظهور آیات و عجایب ، چیزهای معجزه آسایی اتفاق می افته . که این به کلام خدا اعتبار می بخشه . وقتی به کارهایی که خدا در دنیای امروزی انجام میده نگاه میکنم ، میبینم که وقتی انجیل در مکان های جدید ، گسترش پیدا میکنه ، عملاً مکان های غیر قابل دسترسی اینجا جاییه که بیشترین نشانه و عجایب رو میبینیم . فکر میکنم اینجا این برای اعتبار بخشیدن به کلام خدا در جاهایی هست که برای اولین بار کلام خدا به اونجا میرسه . در ضمن ، وقتی که برای اولین بار استقرار کلام خدا رو در جایی میبینیم ، و میبینیم که مردم با کلام اشباع میشن ، اون وقت نیاز کمتری به آیات و عجایب خواهیم داشت . به این دلیله که به مثل مرد ثروتمند و ایلعادر که عیسی میگه اشاره خواهم کرد . وقتی مرد ثروتمند توی جهنم هست او میگه ، نزد برادرم برو و به او بگو این واقعیت داره . و ابراهیم به او میگه اونا حتی اگه ببینن کسی از عالم مردگان برخاسته ، فرقی به حالشون نخواهد کرد .

اونها کلام رو دارند . اونها انبیا رو دارند . اما اون رو رد میکنند . اونها به چیزی که کلام و انبیا گفته اند ، گوش نمیکنن . به این دلیل که من فکر نمیکنم نیازی باشه که تمام آیات و عجایب رو در کلیساها و فرهنگ امروزی داشته باشیم . چون که ما کلام رو داریم و اگه به اون باور کنیم و از اون پیروی کنیم و به اون اعتماد کنیم ، خواهیم دید که قدرت خدا در زندگیمون کار میکنه . ما کلام رو نادیده گرفتیم . یقیناً نباید کلام خدا رو نادیده بگیریم و عجایب و نشانه ها رو جایگزین اون کنیم . در ضمن وقتی ما به دنبال گمشدگان میریم مخصوصاً در مناطق دور دست که هیچ مکاشفه ی خاصی ندارن ، ما باید به اقتدار کلام خدا اعتماد کنیم . این کلام قدرت نجات داره . به طرف تاریک ترین و دور افتاده ترین اقوام روی زمین برید . جاهایی که از کلام خدا فاصله دارند . این کلام قدرت داره که نجات بده . وقتی میرید از خدا بخواید که کلام خودش رو تأیید کنه . من نمیگم میدونم تمام اینها مؤثره اما میگم که بهتر اینه که کلام رو به جاهای دور افتاده ببرید . فرصتی برام پیش اومده که به زودی به هندوستان خواهم رفت . قراره برم و انجیل رو موعظه کنم . کلام خدا رو با مردم در میون بذارم و از روح القدس بخوام نشون بده این کلام حقیقت است به طوری که برای روح القدس و مسیح جلال بیاره . این چیزیه که من شما رو به اون تشویق میکنم . این چیزیه که واقعاً دوست دارم مطرح کنم . شاید برسید شبان دست آخر ، نگفتید که معتقد به نظریه پایان هستی یا تداوم ؟ شماره یک ، درمورد روح القدس رو راست باشید . من شما رو تشویق میکنم که کسانی باشید که در مورد روح القدس رو راست باشید . و وقتی با برادران و خواهران در سراسر دنیا در باره کار روح القدس صحبت میکنید رو راست و صمیمی باشید . من نمیخوام گوشه ای بشینم و بگم عطایای معجزه آسا امروز کاربرد نداره . و متوقف شده . من فکر نمیکنم نشانه های کتاب مقدسی کافی برای گفتن این داشته باشیم که اونها قطعاً متوقف شدند . بعداً در این مورد به تفصیل صحبت خواهیم کرد . در ضمن هم آزادی هست و هم روح تشخیص وجود داره . در مورد روح خدا آزاد باشید در عین حال بر اساس کلام خدا تشخیص بدید . انکار و مخالفت با کار روح القدس در کلیساهای امروزی حتی به مغز من هم خطور نمیکنه . در ضمن نمیخوام چیزی رو به روح نسبت بدم که کلام خدا میگه به روح القدس نسبت ندید . پس فکر میکنم که لازمه خیلی هشیار باشیم و بر اساس کلام خدا تشخیص بدیم . لازمه که مطمئن بشیم وقتی کار روح القدس رو شرح میدیم ، و کاری رو به روح نسبت میدیم ، این مطابق با کتاب مقدس باشه . این بهترین حالت ممکنه . آزاد باشید اما تشخیص هم بدید . اساساً من در کتاب مقدس دلایل کافی مبنی بر به پایان رسیدن عطایایی که فرض شده بعد از رسولان متوقف شده ، نمیبینم . در ضمن دلایل کافی برای اهمیت ادامه اونها هم نمیبینم . جز زمان های خاص . در عوض من فکر میکنم ما باید در عین آزاد بودن هشیار و بصیر هم باشیم تا بر

طبق کلام خدا تشخیص بدیم .

نبوت چی هست ؟

عطیه نبوت

به نبوت میرسیم . اول قرن‌تیاں 8:13 – 13 می‌گه :

محبته‌رگز ساقطن‌میشود و اما اگر نبوتها باشد، نیستخواهد شد و اگر زبانها، انتها خواهد پذیرفتو اگر علم، زایلخواهد گردید. زیرا جزئی علمی داریمو جزئی نبوتی نماییم، لکنهنگامی کهکاملآید، جزئی نیستخواهد گردید. زمانی کهطفلبودم، چونطفلحرفمی زدمو چونطفلفکر می کردمو مانند طفلتعقلمی نمودم. اما چونمرد شدم، کارهای طفلانهراترککردم. زیرا کهالحالدر آینهبطور معما می بینیم، لکنآنوقتروبرو؛ الانجزئی معرفتی دارم، لکنآنوقتخواهمشناخت، چنانکهنیز شناختهشدهام. و الحالاینسهچیز باقی است: یعنی ایمانو امید و محبت. اما بزرگتر از اینها محبتاست.

اینجا مثالی از نبوت هست . بر اساس قرن‌تیاں 13 عطیه نبوت موقتی هست . این موقتی هست .

و اما اگر نبوتها باشد، نیستخواهد شد

اینجا دو گزینه وجود داره . آیا وقتی که کار روح القدس تموم میشه، نبوت ها نیست خواهد شد؟ این چیزیه که نظریه توقف یا پایان می‌گه . بر اساس این نظریه وقتی دوره رسولان به سر رسید و رسولان دیگر در صحنه نبودند ، نبوت ها هم به پایان رسید . اونها میگن ما کتاب مقدس رو داریم و به نبوت نیازی نداریم . گزینه دوم اینه : آیا اون زمانی که عیسی برگرده ، نیست خواهد شد ؟ این موقعیتی که بیشتر برای کسانی که معتقد به نظریه تداوم هستند ، قابل پذیرشه . و اون برگرفته از متنی در اول قرن‌تیاں 13 هست . اساساً چیزی که شما میبیند ، نبوت هاست که نیست میشه .

زیرا جزئی علمی داریمو جزئی نبوتی نماییم، لکن هنگامی کهکاملآید، جزئی نیستخواهد گردید .

پس نبوت علمی جزئی هست و وقتی کامل بیاید ،جزئی از بین خواهد رفت . این نکته ایه که مورد بحث هست چون نظریه پایان می‌گه : «وقتی کامل بیاید » و به زمانی اشاره داره که کلام تکمیل میشه . وقتی که کتاب مقدس تکمیل میشه . این زمانیه که کامل میاد . من با این موافق نیستم . من چنین استنباطی از اول قرن‌تیاں 13 ندارم چون فکر میکنم وقتی کامل آید ، اشاره به زمانی داره که عیسی برمیگرده . فکر میکنم این بسیار واضحه . وقتی به ادامه این متن نگاه میکنید ، می‌گه ،

زیرا کهالحالدر آینهبطور معما می بینیم، لکنآنوقتروبرو؛ الانجزئی معرفتی دارم، لکنآنوقتخواهمشناخت،

چنانکه نیز شناخته شده‌ام.

این در مورد جلال یافتن ما صحبت می‌کند. در مورد زمانی صحبت می‌کند که ما مسیح رو خواهیم دید و برای مسیح کاملاً آشکار خواهیم شد. نجات ما کامل خواهد شد. این همین طور با چیزی که پولس قبلاً در اول قرنتیان 7:1 گفته مطابقت دارد. وقتی که او در مورد عطایای روحانی داده شده به ما ما صحبت می‌کند در حالیکه منتظر ظهور خداوندمان عیسی مسیح هستیم. عطیه نبوت، موقتی توصیف شده اما من گمان نمی‌کنم که در اول قرنتیان 13، تعلیم قطعی برای ما وجود داشته باشد که وقتی کتاب مقدس تکمیل بشه، نبوت متوقف خواهد شد. بعد به اول قرنتیان 14 میرسید و شرحی از نبوت رو در اینجا میبیند.

اول قرنتیان 1:14 – 5 می‌گه :

در پی محبت بکوشید و عطایای روحانی را به غیر تبطلید، خصوصاً اینک نبوت کنید. زیرا کسی که بهزبانی سخنمی گوید، نه به مردم بلکه به خدا می گوید، زیرا هیچکس نمیفهمد لیکن در روحها سرار تکلمی نماید. اما آنکهنبوت می کند، مرد مرا برای بنا و نصیحت و تسلی می گوید. هر که بهزبانی می گوید، خود را بنا می کند، اما آنکهنبوتی نماید، کلیسا را بنا می کند. و خواهشدار مکهمهمشما بهزبانها تکلم کنید، لکن بیشتر اینکهنبوت نماید زیرا کسی که نبوت کند بهتر است از کسی که بهزبانها حرفزند، مگر آنکه ترجمه کند تا کلیسا بنا شود.

من معتقدم که اول قرنتیان 1:14 – 5 می‌گه تا وقتی که عیسی برگرده، مسیحیان مشتاق عطیه نبوت هستند چون کلیسا با عطیه نبوت تقدیس میشه. سوال جالب اینجا اینه. اگر عطیه نبوت وجود داره، آیا این به این معنیه که در کلیساهای امروزی اشعیا ها و ارمیا هایی وجود دارند که بایستند و کلام خدا رو با همون اقتداری که اشعیا و ارمیا بیان میکردند، بیان کنن؟ من فکر نمیکنم این چیزی باشه که کتاب مقدس به ما تعلیم میده. میخوام این رو بهتون نشون بدم.

سه دسته نبوت وجود دارند :

نبوت دروغین ...

اینطور بهش فکر کنید. سه دسته نبوت وجود داره و اولینشون نبوت دروغین هست. تثییه 3:13 می‌گه :

سخنان آنبیا بینده خوابرا مشنوه، زیرا که هیئوه، خدایشما، شما را امتحان میکند، تا بداند که آیا یهوه، خدايخود را به تمامیدلو به تمام میجان خود محبت می‌نمایید؟

تثییه 20:18 می‌گه :

و اما نبیایک هجسار تنموده، بهاسمنسخنگوید که بهگفتنشامر نفرمودم، یا بهاسمخدایانغیر سخنگوید،
آننبیالبتهکشتهشود.»

ارمیا 16:23 میگه :

یهو هصبایوتچنیمیگوید: «بهسخناناینبیاییکهبرایشما نبوت میکنند گوشمدهید زیرا شما را
بهبطالتتعلیمیدهند و رویایدلخود را بیانمیکنند و نهاز دهانخداوند.

همه اینها در مورد انبیا دروغینی صحبت میکنند که نبوت های دروغین میکنند .

میتونیم نبوت دروغین رو اینطور تعریف کنیم . نبوت دروغین عبارت از دروغهای فریبکارانه و
حرفهای دغل هست که هیچ مبنای مکاشفه ای نداره. این چیزی نیست که خدا برای نبی کاذب مکاشفه
کرده باشه. هیچ مبنای مکاشفاتی نداره . اونها حرف هایی فریبکارانه هستند . اونها ادعا میکنند که از
طرف خدا حرف میزنند در حالیکه چیزی از خدا دریافت نکرده اند . اون ندیده گرفتن کتاب مقدس الهی
هست . این نبوت دروغین هست .

نبوت حقیقی ...

نبوت حقیقی چیزی هست که در اشعیا ، ارمیا ، حزقیال و دیگر انبیا در عهد قدیم میبینیم . اشعیا 1:61 –
4 میگه :

روحخداوند یهو هبر مناستزیرا خداوند مرا مسکردهاستتا مسکینانرا بشارتدهمو مرا فرستادهتا
شکستهدلانرا التیامبخشمو اسیرانرا بهرستگاریو محبوسانرا بهآزادیندا کنم، و تا از سالپسندیدخداوند و
از یومانتقامخدا یما ندا نمایمو جمیعماتمیانرا تسلیبخشم. تا قرار دهمبرایماتمیان صهیونو
بهایشانببخشمتاچیرا بهعوضخاکستر و روغنشادمانیرا بهعوضنوحهگریو ردایتسیبحرا بهجایروحدورتتا
ایشاندرختانعدالتو مغروسخداوند بهجهتتمجید وینامیدهشوند. و ایشان خرابه های قدیم را بنا خواهند نمود
و ویرانه های سلف را بر پا خواهند داشت و شهرهای خراب شده و ویرانه های دهرهای بسیار را تعمیر
خواهند نمود.

نبوت حقیقی عبارت است از حقایقی وحی شده . این مبتنی بر صحبت هایی است که مکاشفه شده .

منظورم اینه که خدا کلام خودش رو آشکار میکنه و انبیاء اون رو بیان میکنن . و نتیجه اون کتاب
مقدس الهی هست . انبیاء صحبت میکنند و ما کتاب مقدس رو داریم . این کاری بود که انبیا در عهد قدیم
میکردند . ارمیا 9:1 میگه :

آنگاهخداوند دستخود را دراز کرده، دهانمرا لمسکرد و خداوند بهمنگفت: «اینکلامخود را در دهانتو

نهادم.

در عهد جدید ، رسولان عهد جدید ، انبیا هستند . کتاب مقدس در رومیان 1:1 می‌گه :

پولس ، غلامعیسی مسیحو رسولخوانده شده و جدا نمود هشد هبرایانجیلخدا ،

به اول قرننتیان 2:13 نگاه کنید که می‌گه:

کهنانها را نیز بیانی کنیمنه بهسخنانآموختهدهاز حکمتانسان ، بلکه بهآچهره و حالقدسمی آموزد و روحانیها را با روحانیها جمعمی نمایم .

اما ای برادرانشما را اعلاممی کنماز انجیلی کهنبدانبشارتدادم که بهطریقانساننیست . زیرا کهنانرا از

انساننیافتمو نیاموختم ، مگر بهکشفعیسی مسیح . غلاطیان 11:1 – 12

اینرسالهردومرا ایحبیبانالانبهشما مینویسم که بهباینهر دو ، دل پاکشما را بهطریقیدگاربر میانگیزانم ، ۲ تا بخاطر آرید کلماتیکه انبیا بمقدس ، پیشگفتهاند و حکمخداوند و نجاتدهنده را که بهبرسولانشما داده شد . دوم

پطرس 1:3 – 2

رسولان الان کاری رو میکنند که انبیا قبلآ انجام داده اند . وقتی صحبت میکنند با هدایت روح حرف میزنند . و اون منجر به ایمان به کتاب مقدسی میشه که ما داریم .

انبیا عهد قدیم و رسولان عهد جدید ، آیاتی رو به ما میدن که حقیقی و مصون از خطا هستند . آیاتی

که معتبر و حقیقی هستند . این کلام خداست . نه کلام انسان . این کلام خدا توسط انسان هست . این

منحصر به فرده . هیچ کتابی مثل این که در دست ما هست وجود نداره . این کتاب برای ما کفایت

میکنه . حقیقی ، معتبر ، منحصر به فرد و دارای صلاحیت . این کتاب تمامی اون چیزی رو که ما برای

زندگی و خداشناسی نیاز داریم در خودش داره . خدا توی آسمان ننشسته که چیزهایی رو که قبلآ

فراموش کرده ، حالا بخواد به کلامش اضافه کنه . هر چیزی که ما نیاز داریم اینجا وجود داره . این برای

ما کفایت میکنه و کامل هست و به جلد دومی نیاز نداره . لازم نیست که این کتاب توسط کسی به روز

بشه و یا اصلاح بشه . این چیزیه که ما در کتاب مقدس میبینیم .

عطیه نبوت ...

ما نبوت دروغین داشتیم ، نبوت حقیقی داشتیم ، انبیا عهد قدیم و رسولان در عهد جدید . بعد شرحی از

عطیه نبوت رو میبینیم . که در موردش در اول قرننتیان 14:29 – 31 صحبت شده .

و از انبیا دو یا سه سخن بگویند و دیگران تمیز دهند . و اگر چیزی بهدیگری از اهل مجلس مکشوفشود ،

آنالوسا کت شود. زیرا که مهمی توانید یکی نبوت کنید تا مهمت تعلیم یابند و مهمت نصیحت پذیرند.

سطحی از نبوت وجود دارد که در هیچ کدام از این دو دسته قرار نمیگیره ، و اون مربوط به عطیه نبوت هست. من فکر میکنم چیزی که کتاب مقدس اینجا میگه ، این هست که نوعی حرف زدن هست که شامل حرف های سریع و آنی روح القدس هست. گفتن چیزی که خدا با روح خودش بی اختیار به ذهن ما میاره و ما شروع به صحبت میکنیم. اون مربوط به صحبت های غیر مستقیمی هست که بر مبنای مکاشفه محرز هست. چیزی که باید در این مورد گفت اینه که چنین شخصی یک پولس جدید نیست که به عرصه اومده و مکاشفه جدیدی از خدا به او میرسه که به کلیسا بده. این روح القدس هست که با ما حرف میزنه ، و ما رو وادار به صحبت میکنه ، بر اساس چیزی که در کتاب مقدس هست. و توسط کتاب مقدس الهی ، آزموده شده. اول تسالونیکیان 19:5 – 21 میگه :

روحرا اظفا مکنید. نبوتها را خوار شمارید. مهم چیز را تحقیق کنید، و به آنچه نیکو است متمسک باشید. به این دلیل گفتیم که دیگران باید به دقت چیزی رو که گفته میشه ، بسنجند. وقتی نبی عهد قدیم صحبت میکنه مثلاً اشعیا نمیداد که بگه : ای مردان لازمه که چیزی رو که به شما میگم به دقت بسنجید. اشعیا ظاهر میشه و میگه گوش کنید ، این چیزیه که یهوه خداوند میگه .. این همون چیزیه که رسولان عهد جدید هم میگفتند. وقتی عطیه نبوت به کار گرفته شد ، اون همیشه به دقت مورد ارزیابی قرار گرفته. و آزمایش شده. چون عطیه نبوت کامل نیست. اون جایز الخطاست. در دوم تسالونیکیان 1:2 – 3 پولس درباره نبوت هایی که اشتباه هستند هشدار میده. او میگه :

اما ایبرادران، از شما استدعا میکنم در باره آمدن خداوند ما عیسی مسیحو جمع شدن ما به نزد او، که شما از هوش خود بزودیم ترلز نشوید و مضطرب نگردید، نه از روح و نه از کلام و نه از رساله های که گویا از ما باشد، بدین مضمون که هروز مسیح رسیده است. زنه از کسی بهیچ وجه شما را نفریبید، زیرا که تا آنارتداد، اولواقع نشود و آنمرد شریر یعنی فرزند هلاکت ظاهر نگردد، آنروز نخواهد آمد؛

این موعظه و تعلیم کلام نیست. چون که اون در رومیان 6:12 – 7 جزء عطایای جداگانه ، ذکر شده. اون میگه :

پس چون نعمتهای مختلف داریم بحسب فیضی که به ما داده شد، خواهنبوت بر حسب موافقت ایمان، یا خدمت در خدمتگزاری، یا معلم در تعلیم،

بعضی ها فکر میکنند ، چطور روح میتونه کسی رو وادار به سخن گفتن بکنه ، که مصون از خطا نباشه. و دارای اشتباه باشه ؟

اینطور بهش فکر کنید ؛ در پرتو تعالیم کلی ، من بیشتر یکشنبه ها رو در این خانواده ایمانی کلام رو

درس میدم. ایا این امکان هست که من چیزی رو اشتباه بگم؟ قطعاً. هرچیزی که من میگم مصون از خطا نیست. یقیناً چیزهای اشتباهی میتونه باشه. اما من دعا میکنم و امیدوارم که روح خدا در تعلیم به من الهام بده. به همون ترتیب، اینجا هم به عنوان مثال، نمونه ای هست از نبوت آئی که توسط روح القدس الهام میشه. اما چون در سطحی نیست که ما در مورد انبیا عهد قدیم و رسولان عهد جدید شرح دادیم، بنا براین مصون از خطا نیست و به عنوان حقیقت معتبر برای ما سندیت نداره. اون باید با حقیقت معتبر و مصون از خطا آزموده بشه. وقتی در عهد جدید به عطیه نبوت نگاه میکنید، میبینید که مردم در باره آینده صحبت میکنن. اعمال 28:11 میگه:

کهیکیاز ایشانآغابوسنامبرخاسته، بهروحاشارهرکرد کهقحطیشدید در تمامیربعمسکونخواهد شد و آندر ایامکلودیوس قیصر پدید آمد.

اعمال 10:21 – 11 میگه:

و چونروز چند در آنجا ماندیم، نبیایآغابوسناماز یهودیهرسید، و نزد ما آمده، کمر بند پولسرا گرفتھو دستها و پایهایخود را بسته، گفت: “روحالقدسمیگوید کهیھودیاندر اورشلیمصاحباینکمر بند را بههمینطور بسته، او را بهدستهایامتها خواهند سپرد.”

می بینید که مردم گناه رو در قلب غیر ایماندارن آشکار میکنند. در اول قرنیتیان 24:14 – 25 میگه:

اما اگر همه شما نبوت کنید و شخص تازه ایمان یا بی ایمان به مجلس شما داخل شود آنچه را او می شنود او را به گناهانش آگاه می سازد و بوسیله سخنانی که می شنود دآوری میشود و اندیشه های پنهانی او فاش خواهد شد و بزانو در آمده خدا را پرستش خواهد کرد و اعتراف می کند که واقعاً خدا در میان شماست.

و همینطور کلیسا رو تشویق میکنه. در اول قرنیتیان 3:14 میگه:

اما از طرف دیگر آنکه نبوت می کند برای تقویت و تشویق و تسلی دیگران با آنها سخن می گوید.

مفاهیم...

اینجا دو مفهوم وجود داره. یادتون باشه که کتاب مقدس به تنهایی شامل حقایق معتبر برای تمامی اوقات و شرایط هست. بنا بر این کلام رو یاد بگیرید. ما نه به انبیا عهد قدیم نیازی داریم و نه لزومی هست که کسی در سطح رسولان عهد جدید، برای ما نبوت بکنه. کتاب مقدس کافی و بسنده هست. هرچیزی رو که نیاز داریم در اون وجود داره. این کتاب اقتدار ما هست. نه چیزی که من و شما میگیریم.

این کتاب اعتبار ما هست . بنابر این لازمه این کلام رو بدونیم . دومین مفهوم اینه که روح القدس شاید عطیه نبوت رو برای پذیرفتن حقیقتی کتاب مقدسی در زمان های خاصی و شرایط خاصی به کسی اعطا کنه . بنا بر این روح رو بطلبید . به عبارت دیگه من فکر میکنم کتاب مقدس به ما شرحی از زمان هایی رو میده که روح القدس کسی رو بر اساس کلام و ادار به صحبت کردن میکنه . برای تقدیس کردن و تشویق کلیسای امروزی . و این چیزیه که در اول قرننیاں 14 از اون صحبت شده .

زبان ها چی هست ؟

اول قرننیاں 7:12 – 11

در هر فرد ، روح خدا به نوعی خاص برای خیریت تمام مردم تجلی می کند، مثلاً روح القدس بیکي بیان حکمت عطا می کند و بدیگری بیان معرفت . بیکي ایمان میبخشد و به دیگری قدرت شفا دادن ، به یکی قدرت اعجاز و به دیگری قدرت نبوت و به سومی عطیه تشخیص ارواح عطا می کند ، به یکی قدرت تکلم بزبانها و به دیگری قدرت ترجمه زبانها را میبخشد . اما کلیه این عطایا کار یک روح واحد است و او آنها را بر طبق اراده خود به هر کس عطا می فرماید .

سردرگمی حتمی ...

من فکر میکنم ما یقیناً در مورد زبان ها سردرگم میشیم . منظورم این هست . زبان ها برای بسیاری از مردم با یقینی درونی مشخص شده . بعضی از شما فکر میکنید زبان ها چیه ؟ این سوال اصلاً مهم نیست . من در خلوت دعایی خودم به زبان ها صحبت میکنم . و یا در کلیسایی که عضو ش هستم به زبان ها صحبت میکنم . پس چرا این سوال حتی باید مطرح بشه ؟

شما به طور شخصی این رو تجربه کردید . پس یقین حاصل کردید . میخوام اینجا کمی مراقب باشیم . اما تنهامشکل اینه که هر تجربه مذهبی ای ، از خدا نیست . به این دلیل که ما چیزی رو تجربه کردیم که واقعیت این رو نشون نمیده . من نمیخوام با گفتن این کسی رو برنجونم اما چیزهایی مشابه صحبت به زبان ها در مذاهب دنیوی دیگر مثل افسونگری و جادوگری وجود دارند . یقیناً تجربیات مذهبی وجود دارند که از روح خدا نیستند . در ضمن زبان ها برای بسیاری تبدیل به هدفی گیج کننده شده . افراد زیادی وجود دارند که فکر میکنند زبان ها چیزی عجیب، و خطرناک هست و باید به هر قمیتی شده از اون اجتناب کرد . نظریه پایان یا توقف میگه که زبان ها خاتمه یافته . اما من واقعاً ایمان دارم که هیچ

نشانه معتبر کتاب مقدسی برای توقف زبان ها یا نبوت یا شفا وجود ندارد . هیچ شاهد کتاب مقدسی معتبری وجود ندارد . پس نظر ما در مورد این چیزها چیه ؟
زبان ها اینطور تعریف شده اند ...

در پنتیکاست زبانها ، زبانی قابل فهم بود که شاید بلافاصله ترجمه شد . اونها به زبان های قابل فهم صحبت میکردند . اونها به زبان هایی صحبت میکردند که برای اقوام و ملت های مختلف قابل فهم بود .
در اعمال 1:2 – 12 اینطور میگه :

برادران عزیز، حتی نخستین بار که به نزد شما آمدم ، وقتی پیام خدا را برای شما اعلام می کردم از کلمات مشکل ادبی و افکار فلسفی استفاده نکردم ، زیرا قصد داشتم فقط و فقط درباره عیسی مسیح و مرگ او بر صلیب سخن بگویم . بنابراین ، با ضعف و ترس و لرز بسیار نزد شما آمدم . پیام و سخنانم نیز بسیار ساده و خالی از حکمت انسانی بود، اما قدرت روح خدا در آن دیده می شد و ثابت می کرد که پیام من از جانب خداست . من عمدا چنین کردم ، تا پایه ایمان شما بر قدرت خدا باشد، نه بر حکمت انسان .

۶ با اینحال ، وقتی در میان مسیحیان باتجربه هستم ، در سخنانم از حکمت و فلسفه استفاده می کنم ، اما نه از حکمت و فلسفه ای که مورد پسند دنیا و بزرگان آنست ، بزرگانی که محکوم به نابودی اند. سخنان ما حکیمانه است ، زیرا از جانب خدا و درباره نقشه حکیمانه اوست ، نقشه ای که هدفش رساندن ما به حضور پر جلال خداست . اگر چه خدا این نقشه را پیش از آفرینش جهان برای نجات ما طرح کرده بود، اما در گذشته آن را بر هیچکس آشکار نساخته بود. حتی بزرگان این دنیا نیز آن را درک نکردند، زیرا اگر درک می کردند، “خداوند جلال” را به صلیب نمی کشیدند. کتاب آسمانی نیز در این مورد می فرماید که خدا برای دوستداران خود، چیزهایی تدارک دیده است که هیچ انسانی هرگز ندیده ، شنیده و به فکرش نیز خطور نکرده است . اما خدا این امور را توسط روح خود بر ما آشکار ساخته است ، زیرا روح خدا از عمیق ترین اسرار خدا آگاهی دارد و آنها را بر ما آشکار می سازد. هیچکس نمیتواند بداند که در باطن شخصی دیگر چه می گذرد، مگر خود آن شخص . به همین ترتیب ، هیچکس نمی تواند افکار و نقشه های خدا را درک کند، مگر روح خدا. خدا در واقع روح خود را به همین منظور به ما عطا فرموده است تا توسط او بر ما آشکار کند که چه هدایای پرشکوهی از لطف و برکت خود، نصیب ما ساخته است . بدیهی است روحی که ما یافته ایم ، با روح این دنیا تفاوت دارد.

در جای دیگر مثلاً چیزی که پولس خطاب به قرنطیان میگه ، اینه که زبان ها ، زبان های غیر قابل فهم هستند که باید بلافاصله تفسیر بشوند . نه ترجمه بلکه تعبیر یا تفسیر . چونکه اونها غیر قابل فهم

هستند . اول قرن‌تینان 19:14 میگه :

اما وقتی با دیگران خدا را عبادت می‌کنم ، ترجیح می‌دهم پنج کلمه به زبانی سخن بگویم که همه بفهمند و استفاده کنند، تا اینکه هزاران کلمه به زبانهای غیر تکلم کنم که کسی نمی‌فهمد .

و اول قرن‌تینان 2:14 میگه :

اگر کسی عطای سخن گفتن به زبانها را دارد، یعنی به زبانهایی سخن می‌گوید که قبلاً نیاموخته است ، در اینصورت ، با این زبانها فقط با خدا سخن می‌گوید نه با مردم ، زیرا دیگران گفته های او را درک نمی‌کنند، چون او با قدرت روح القدس ، بصورت راز تکلم می‌کند .

این بدون یک مفسر قابل فهم نیست . صحبت به زبان ها مربوط به دعا یا پرستش هست . صحبت با هجاهایی که برای خود گوینده هم نا مفهوم هست .

صحبت کردن به زبان ها مستقماً خطاب به خدا هست . در دعا یا پرستش با هجاهایی صحبت میکنند که حتی برای خود گوینده هم مفهوم نیست . و اساساً خطاب به خدا هست . اول قرن‌تینان 14:14-17 میگه :

زیرا اگر به زبانی دعا کنم که آن را نمی‌فهمم ، در واقع روح من دعا می‌کند و خودم از آنچه می‌گویم ، بی‌خبرم . پس چه کنم ؟ باید هم به این زبانها دعا کنم و هم به زبان خودم ؛ هم به این زبانها سرود بخوانم و هم به زبان خودم ، تا همه بفهمند . زیرا اگر شما خدا را به زبانی شکر گویند که فقط روح خودتان می‌فهمد، چگونه دیگران بتوانند به دعای شکرگزاری شما آمین بگویند، در حالیکه نمی‌فهمند چه می‌گویید؟ شکی نیست که شما بسیار عالی خدا را شکر می‌گویید، اما حاضرین بهره ای نمی‌برند .

این چیزیه که در روح اتفاق می‌افته . روح من دعا میکنه . این چیزیه که اول قرن‌تینان در موردش صحبت میکنه . زبان های غیر قابل فهم که باید تفسیر بشه ، از قبیل دعا و پرستش با هجاهایی که برای خود گوینده هم مفهوم نیست بلکه مستقیماً خطاب به خدا هست در روح .

تعریف زبانها

تعریف عمومی زبانها . در اول قرن‌تینان 27:14 - 28 اینطور آمده

اگر کسانی می‌خواهند به زبانهای غیر حرف بزنند، تعدادشان نباید بیش از دو یا سه نفر باشد، آن هم به نوبت . یک نفر نیز باید این زبانها را ترجمه کند . اما اگر کسی نباشد که ترجمه کند، ایشان باید در سکوت با خود و با خدا به زبانهای غیر سخن گویند، نه در حضور همه و با صدای بلند .

این نظریه به این دلیل هست . یولس میگه لازمه صحبت به زبانها حضور یک مترجم هست که معنی

کلی آن سخنان رو برای کلیسا بیان کنه . اگر تفسیر کننده ای وجود نداشته باشه ، اون وقت کسی که به زبانه‌ها صحبت میکنه باید ، بی صدا باشه . باید یک نفر تفسیر کننده باشه .

صحبت به زبان ها همینطور با کنترل خود مشخص شده . عهد جدید اجازه ای برای شور و هیجان و بی نظمی به ما نمیده . کنترل داشتن بر خود یکی از میوه های روح هست . و در اول قرنیتیان 14 هم این کنترل رو میبینیم . شما یک نفر یا دو و حداکثر سه نفر رو میبینید که به زبان ها صحبت میکنه . تعریفی که در اینجا اومده اینه که حتی در پنتیکاست هم وقتی پطرس شروع به موعظه انجیل کرد اونها صحبت به زبان ها رو متوقف کردند . لازمه صحبت به زبان ها حضور یک مفسر و همچنین داشتن کنترل بر خود هست . و باید باعث تقدیس کلیسا و جلال خدا بشه . همه اینها به منظور تقویت کلیسا باید انجام بشه . اول قرنیتیان 14:26 میگه :

پس ، ایمانداران عزیز، مقصود خود را بطور خلاصه بیان می کنم . وقتی برای عبادت در کلیسا جمع می شوید، یکی از شما سرود بخواند، دیگری کلام خدا را تعلیم دهد، یکی دیگر حقیقتی را که از جانب خدا بر او آشکار شده بیان نماید، یک نفر نیز به زبانه‌های غیر سخن بگوید و دیگری آن را ترجمه کند. اما هر چه انجام می شود، باید برای همه ایمانداران مفید باشد و باعث تقویت و رشد روحانی ایشان گردد. اونها باید کلیسا رو تقدیس و خدا رو جلال بدن . اول قرنیتیان 14:5 میگه :

آرزوی من اینست که همه شما به زبانه‌ها سخن بگویید، اما بیشتر دلم می خواهد که نبوت کنید، زیرا نبوت کردن بهتر است از سخن گفتن به زبانه‌ها، مگر آنکه کسی بتواند مطلبی را که شما به زبانه‌های غیر می گوید، برای دیگران ترجمه کند تا ایشان نیز از آن بهره مند شوند. این چیزیه که در جمع اتفاق می افته .

زبانه‌ها در خلوت

زیرا نبوت کردن بهتر است از سخن گفتن به زبانه‌ها، مگر آنکه کسی بتواند مطلبی را که شما به زبانه‌های غیر می گوید، برای دیگران ترجمه کند تا ایشان نیز از آن بهره مند شوند. اول قرنیتیان 14:28 میگه :

اما اگر کسی نباشد که ترجمه کند، ایشان باید در سکوت با خود و با خدا به زبانه‌های غیر سخن گویند، نه در حضور همه و با صدای بلند.

به نظر میرسه پولس بیشتر با این نظر موافقه که مردم در خلوت به زبان ها صحبت کنند . من فکر میکنم اینجا سوالی مطرح میشه . باید رو راست بگم من هرگز در خلوت یا در جمع به زبان ها صحبت

نکردم. من میدونم خیلی ها هستن که در جمع یا خلوت به زبان ها صحبت میکنند . من در هر دو شرایط حضور داشتم . این تعریف اینجا مربوط به صحبت کردن در خلوت به زبان هاست . من فکر نمیکنم کتاب مقدس بگه صحبت کردن به زبانها در جمع ، میتونه انجام بشه یا باید بشه و یا نشه . در ضمن عطایای روحانی برای تقدیس به کلیسا داده میشه . پس صحبت به زبان ها در خلوت حداقل این سوال رو پیش میاره که این چطور میتونه باعث تقدیس کلیسا بشه . این باعث تقدیس فرد میشه . اگر من عطیهٔ تعلیم داشته باشم و به طور خصوصی تعلیم بدم ، این زیاد خوب نخواهد بود اما از طرفی من یقیناً برای کسانی هم که معتقد به دعا به زبان ها در خلوت هستند ، احترام قائلم . و به نظر میرسه که در قرننیان 4:14 و 28 همین مسأله مطرح شده . من فکر میکنم یک آزادی در عهد جدید برای صحبت به زبان ها وجود داره مگر اینکه شما نظریهٔ توقف یا پایان رو کاملاً بپذیرید .

آیا صحبت به زبان ها معیار هست ؟

اما سوال اصلی برای اینکه بخوام یقین پیدا کنم اینه . آیا زبان ها معیار هست ؟ من یقین دارم که کتاب مقدس صراحتاً در این باره صحبت میکنه . به این نقل قول از یک شخص کاریزماتیک توجه کنید :

یک شخص باید عطیهٔ صحبت به زبان ها رو با اطمینان بطلبه . وقتی که برای تعمید روح دعا میکنه . ثمرهٔ زبان ها ، مهم ترین و اولین قدم هست و ارزش داره که شخص رو تشویق کنیم که سعی کنه عطیهٔ زبان ها رو دریافت کنه . حتی اگر این احتمال باشه که به او برچسب عدم تعادل بزنن . گاهی میشه به مردم کمک کرد که به آسانی تسلیم زبان ها بشند . بعد از اینکه با شخص برای تعمید روح دعا شد ، یکی از اعضاء گروه میتونه خم بشه و زانو بزنه و از اون شخص پرسه ، که ایا میخواد برای دریافت زبان ها براش دعا بشه ؟ وقتی اون شخص بگه بله ، میتونه او رو تشویق کنه تا شروع به صحبت کنه . و جاهایی در بیاره که به زبان اصلیش نیست . بعد باید دوباره با او دعا کنه . وقتی شخص شروع به صحبت به زبان ها کرد ، باید او رو تشویق کنه و بگه بعد از اینکه خواستی تعمید روح بگیری و در خواست عطیهٔ زبان ها کردی ، حالا خودت و تسلیم اون کن . شروع به صحبت کن . اگر لازم باشه حتی با صداهای نامفهومی شروع به صحبت بکنه ، روح القدس به اونها شکل خواهد داد .

من گمون نمیکنم کتاب مقدس ، این مطلب رو تأیید بکنه . این کاریه که روح القدس با عمل مقتدرانه خودش انجام میده . اگر ما میخوایم چیزی بطلبیم ، باید عطیه ای رو بطلبیم که کلیسا رو بیشتر تجهیز و تقدیس میکنه . به این دلیل که پولس میگه نبوت رو بطلبید . اونجا حتی در اعمال 10 و اعمال 19 اونها یقیناً کتاب راهنمای عطایا رو نداشتند . اعمال 10:44 – 48 میگه:

هنوز سخن پطرس تمام نشده بود که روح القدس بر تمام شنوندگان نازل شد! یهودیانی که همراه پطرس

آمده بودند، وقتی دیدند که روح القدس به غیریهودیان نیز عطا شده است، مات و مبهوت ماندند. ولی جای شک باقی نماند، چون می شنیدند که همه به زبانهای مختلف سخن می گویند و خدا را تمجید می کنند. آنگاه پطرس گفت: «اکنون که ایشان مانند ما روح القدس را یافته اند، آیا کسی می تواند بمن اعتراض کند که چرا تعمیدشان می دهم؟» پس بنام عیسی مسیح ایشان را غسل تعمید داد. آنگاه کرنیلیوس التماس کرد که پطرس چند روزی نزد آنان بماند.

همینطور اعمال 1:19 - 7 میگه :

در همان زمان که اپلوس در یونان در شهر قرنتس بود، پولس نیز در ایالت آسیا سفر می کرد تا به افسس رسید و در آنجا چند نفر مسیحی یافت. پولس از ایشان پرسید: «آیا وقتی به عیسی مسیح ایمان آوردید، روح القدس را یافتید؟» جواب دادند: «نه، ما حتی نمی دانیم روح القدس چیست!» پولس پرسید: «پس به چه ایمانی اعتراف کردید و غسل تعمید گرفتید؟» جواب دادند: «به آنچه یحییای پیغمبر تعلیم داده است.» پولس به ایشان گفت: «تعمیدی که یحیی می داد برای این بود که مردم از گناه دست کشیده، بسوی خدا بازگردند و به عیسی ایمان بیاورند، یعنی به همان کسی که یحیی وعده ظهورش را می داد.» وقتی این را شنیدند، به نام عیسی خداوند غسل تعمید گرفتند. سپس، هنگامی که پولس دست بر سر آنان گذاشت، روح القدس بر ایشان قرار گرفت و به زبانهای مختلف سخن گفتند و نبوت کردند. تعداد این افراد دوازده نفر بود.

در ضمن برای این سؤال که آیا صحبت به زبان ها معیار هست، باز هم به اعمال 10 و 19 نگاه کنید. اینها تجربیات منحصر به فردی هستند که در این دوره از تاریخ نجات، جریان داشتند. و من فکر نمیکنم اونها ما رو بر این اساس آماده کنن و بگن، همه باید بر مبنای اعمال 19 رفتار کنند، چون پولس بر این اشخاص دست گذاشت و اونها به زبان ها صحبت و نبوت کردند. هر کسی که روح داره یا تعمید روح داره باید به زبان ها صحبت کنه. من فکر میکنم این در چهارچوب کتاب مقدس نمیگنجه. من فکر میکنم، این برداشتی از این داستان کتاب مقدسه که میتونه اون رو بصورت معیار مطرح بکنه.

زبان ها در اعمال در گروه ها ظاهر میشه و هدف اصلی اون نشان دادن گسترش انجیل در یرتو این دوره از تاریخ نجات هست. صحبت به زبان ها در قرنتس متفاوت هست. در اونجا افراد صحبت میکنند و هدف اصلی اونها تقدیس کلیسا و تجهیز اون برای پرستش هست. ما باید مراقب باشیم که داستان هایی مثل اعمال 8، 10 و 19 رو نگیریم و اونها رو مبنایی برای معیار قرار دادن زبان ها بکنیم

و بگیم خب این چون برای اونها پیش اومده ، پس میتونه برای هر کسی پیش بیاد . این یک اصل اساسی مطالعه کتاب مقدس هست . وقتی به داستان های کتاب مقدس نگاه میکنید ، به داستان ابراهیم اینطور نگاه نمی کنید که او پسرش اسحاق رو بر روی مذبح قربانی قرار میده و یقیناً فکر نمیکنید که هر پدری برای داشتن ایمان به خدا باید اینکارو بکنه . ما هیچ کدام اینکارو انجام نمیدیم . ما به داستان دانیال نگاه نمیکنیم و نمیگیم من میخوام ایمانم رو با به سر بردن شبی در قفس شیران نشون بدم . یا میخوام مثل شدرک ، میشک و عبدنفو وسط تون آتش بپریم . این داستان ها معیار نیستند . بخش هایی از کتاب مقدس هست که به ما فرمان میده . بیایید اونها رو ببینیم و بعد بخوایم که داستان های متن تاریخ نجات رو درک کنیم . نتیجه گیری برای صحبت به زبان ها اینه که صحبت به زبان ها یک اصل یا معیار برای ایمان در عهد جدید نیست . من نمیگم که کتاب مقدس تعلیم میده که صحبت به زبان ها تماماً متوقف شده . من فکر نمیکنم کتاب مقدس به طور واضح از توقف یا عدم توقف اون صحبت کرده باشه . بلکه فکر میکنم کتاب مقدس به وضوح میگه که اون وقایع معیاری برای ایمان در عهد جدید نیستند . و تجربیات الزامی ایمان در عهد جدید نیستند . جنبش قدرتمند روح خدا توسط کسانی که به زبان ها صحبت نمیکنند متوقف نمیشه . این خیلی مهمه . من نمیگم اگر به زبان ها صحبت کنید، چیز بدیهه . به هیچ وجه . من فکر نمیکنم که کتاب مقدس در مورد این چیزها به وضوح صحبت کرده باشه . اما فکر میکنم کتاب مقدس به وضوح گفته که نباید به دیگران بگیم تو باید به عنوان نشانه ای از کار روح القدس حتماً به زبان ها صحبت کنی . من فکر میکنم بر چیزی متمرکز بشیم که از روح میدونیم . نظیر میوه های روح . احساس کردن روح . و اعلام انجیل و قدرت روح . همه اینها بدون زبان ها هم اتفاق می افته .

کتاب مقدس در مورد شفا چی میگه ؟

هدف از عطیه شفا چیه ؟

اول قرننتیان 8:12 – 10 میگه :

روح القدس به یک شخص عطای بیان حکمت می بخشد تا با اراده راه حل های حکیمانه دیگران را

یاری نماید؛ و به دیگری دانستن اسرار را عطا می کند. او به یکی ایمانی فوق العاده عطا می نماید، و به دیگری قدرت شفای بیماران را می بخشد. به بعضی قدرت انجام معجزات می دهد، به برخی دیگر عطای نبوت کردن. به یک نفر قدرت عطا می کند که تشخیص دهد چه عطایی از جانب روح خداست و چه عطایی از جانب او نیست. باز ممکن است به یک شخص این عطا را ببخشد که بتواند به هنگام دعا به زبانهایی که نیاموخته است، سخن گوید، و به دیگری عطای ترجمه این زبانها را بدهد. همینطور اول قرنیتان 28:12 میگوید:

بعضی از اعضا که خدا در کلیسا یعنی در بدن مسیح قرار داده است، اینها هستند: رسولان، یعنی فرستادگان مسیح. انبیا، یعنی کسانی که با الهام از خدا، پیغامی می آورند. معلمان، یعنی کسانی که کلام خدا را به دیگران تعلیم می دهند. کسانی که معجزه می کنند. کسانی که بیماران را شفا می دهند. کسانی که عطای کمک به دیگران را دارند. کسانی که عطای رهبری و هدایت مردم را دارند. کسانی که عطای سخن گفتن به زبانهایی را دارند که قبلاً نیاموخته اند.

هر دوی این متون منظور از عطیه شفا رو بیان میکنند. من اینها رو از کلام به شما نشون خواهم داد. اصولاً چهار هدف اصلی اینجا میبینیم. عطیه شفا به کلام خدا یا انجیل اعتبار میبخشه. عطیه شفا قوم خدا یا کلیسا رو آرامی میبخشه. خدا با عطیه شفا رحمت و محبت خودش رو به قومش که بیمار هستند نشون میده. عطیه شفا موانع کار خدا رو در خدمت برطرف میکنه. و عطیه شفا نام خدا رو جلال میده. مردم نشانه های عظمت، نیکویی، محبت، قدرت و حکمت خدا رو در عطیه شفا میبینند.

عطیه شفا

عطیه شفا، عطیه ایست که با دعا کردن در شرایط مختلف و در نیاز های مختلف برای شفا واقع میشه. من این رو به صورت جمع استفاده میکنم چون این چیزیه که در اول قرنیتان 12 توصیف شده. به رساله یعقوب 13:5 - 15 نگاه کنید:

«اگر در میان شما کسی گرفتار درد و رنج باشد، باید دعا کند. آنانی که دلیلی برای شکرگزاری دارند، باید برای خداوند سرودهای شکرگزاری بخوانند. اگر کسی بیمار باشد، باید از کشیشان کلیسا بخواهد که بیایند و برایش دعا کنند و بر پیشانی اش روغن بمالند و از خداوند برای او طلب شفا نمایند. اگر دعای ایشان با ایمان همراه باشد، بیمار شفا خواهد یافت؛ زیرا خداوند او را شفا خواهد بخشید، و اگر بیماری او در اثر گناه بوده باشد، گناه او نیز آمرزیده خواهد شد.»

بعضی ها میگن ، ما نیازی به دعا برای شفا نداریم . شبان مردم رو تشویق نکن که برای شفا دعا کنن . چون خدا شفا نمیده . شاید اونها به قدرت خدا شک دارند . شاید از دست خدا عصبانی هستن. من اینو یه جا شنیدم اما در ضمن هیچ جایگزینی هم در کتاب مقدس براش نمیبینم. و فکر نمیکنم هرگز به کسی بگم برای شفا دعا نکن . هرگز اینو به کسی نمیگم که خدا قدرت شفا نداره و قادر نیست شفا بده . مسلماً زمان هایی هست که شفا اتفاق می افته . و خدا گهگاهی کارهای معجزه آسایی انجام میده . آیا باید برای شفا دعا کنیم ؟ بله .

من فکر میکنم کتاب مقدس ما رو برای اینکار تشویق میکنه . فکر میکنم این چیزیه که در رساله یعقوب 5 میبینیم. ما تشویق میشیم که برای شفا دعا کنیم . من فکر نمیکنم که لازم باشه پا رو از این فراتر بذاریم و مانند بعضی آیین های پنتیکاستی بگیم تمام بیماری ها مستقیم و غیر مستقیم به شیطان مربوط میشه و چون ما در مسیح و در روح بر شیطان قدرت داریم بنابر این اگر ایمان کافی به مسیح و روح داشته باشیم از بیماری نجات پیدا میکنیم. من فکر نمیکنم این کتاب مقدسی باشه . میبینیم که این عقیده این در مورد پولس در دوم قرننیاں 12 صدق نمیکنه : وقتی از خدا میخواد خار جسم او رو برداره ، و خدا نمیپذیره . زمانهای دیگری بود که پولس بیمار بود. متأسفانه پولس از این بهره ای نبرده. من فکر نمیکنم که کتاب مقدس اون نظریه رو تأیید کنه اما در هر حال بما میگه برای شفا دعا کنیم. و از عطیه شفا صحبت میکنه. وقتی کسی بیمار چطور باید برای شفای او دعا کنیم؟ اولین نظر از دو نظریه اصلی میگه با این هدف دعا کنید که شفا بیاید. منظورم اینه که در پرتو هدفی دعا کنید که قبلاً دیدیم . به منظور گسترش انجیل.

به اعمال 14:5 – 16 نگاه کنید که میگه :

در ضمن ، رسولان بطور مرتب برای دعا در خانه خدا، در قسمتی به نام ”ایوان سلیمان“ جمع می شدند. ایشان در میان مردم معجزات زیاد و حیرت آوری می کردند، تا جایی که مردم بیماران خود را بر روی تخت و تشک به کوچه ها می آوردند تا وقتی پطرس از آنجا رد می شود، اقلای سایه او بر بعضی از ایشان بیفتد! مردم حتی از اطراف اورشلیم می آمدند و دیوانه ها و بیماران خود را می آوردند و همه شفا می یافتند.

اعمال 9:32 – 35 میگه :

پطرس نیز به همه جا می رفت و به وضع ایمانداران رسیدگی می کرد. در یکی از این سفرها، نزد ایمانداران شهر لده رفت . در آنجا شخصی را دید به نام اینیاس که به مدت هشت سال فلج و بستری بود.

پطرس به او گفت : «اینیاس ، عیسی مسیح تو را شفا داده است ! برخیز و بسترت را جمع کن !» او نیز بلافاصله شفا یافت . آنگاه تمام اهالی لده و شارون با دیدن این معجزه به خداوند ایمان آوردند .

بعد اعمال 8:14 – 10 میگه :

در لستره به مردی که لنگ مادرزاد بود بر خوردند که هرگز راه نرفته بود . هنگامی که پولس موعظه می کرد ، او خوب گوش می داد و پولس دید ایمان شفا یافتن را دارد . پس به او گفت : «بلند شو بایست !» او نیز از جا جست و براه افتاد!

اعمال 11:19 – 12 میگه :

خدا به دست پولس معجزات بزرگ نشان می داد بطوریکه مردم دستمال ها و پیش بندهایی را که با بدن پولس تماس یافته بود می بردند و بر بدن مریضان می گذاشتند و آنان از امراض خود خلاص می شدند و ارواح ناپاک از آنان خارج می گشت .

چیزی که اینجا میبینید اینه که مردم شفا پیدا میکنند و در نتیجه شفا به مسیح ایمان میارن . پس دعا کنید . من فکر میکنم وقتی شما برای کسی که بیماره دعا میکنید ، باید اینطور دعا کنید . خدایا دعا میکنم که شفای تو بیاید تا انجیل گسترش پیدا کنه . تا کلیسای تو آرامی پیدا کنه . تا قوم خدا آرامی پیدا کنند .

اعمال 7:20 – 12 خیلی مناسب این هست که میگه :

یکشنبه برای مراسم شام مقدس دور هم جمع شدیم و پولس برای ما موعظه می کرد؛ و چون روز بعد می خواست از آن شهر برود، تا نیمه های شب صحبت کرد. در بالاخانه ای که جمع بودیم ، چراغهای بسیاری روشن بود. همینطور که پولس سخن را طول می داد، جوانی به نام افتیخوس که کنار پنجره نشسته بود، خوابش برد و از طبقه سوم پایین افتاد و مرد. پولس پایین رفت و او را در آغوش گرفت و گفت : «ناراحت نباشید او صحیح و سالم است !» همینطور نیز بود! همه خوشحال شدند و با هم به بالاخانه بازگشتند و شام مقدس را خوردند. پولس باز سخن را ادامه داد تا کم کم هوا روشن شد. آنگاه ایشان را ترک گفت .

این داستان در مورد افتیخوس هست . پولس اونقدر موعظه اش طولانی میشه که افتیخوس خوابش میبره و از پنجره پایین می افته .

بعد او برای شفای افتیخوس دعا میکنه و خدا او رو شفا میده . هدف دوم برای موفقیت در خدمت هست .

اعمال 40:9 – 43 میگه :

پطرس همه آنان را از اطاق بیرون کرد. سپس زانوزد و دعا نمود و رو به جسد کرده گفت : « ای طبیتا برخیز.» او چشمان خود را گشود و وقتی پطرس را دید راست نشست. پطرس دست خود را به او داد و او را روی پا بلند کرد. سپس مقدسین و بیوه زنان را صدا زد و او را زنده به ایشان سپرد. این موضوع در سراسر یافا منتشر شد و بسیاری به خداوند ایمان آوردند. پطرس روزهای زیادی در یافا ماند و با شمعون دباغ زندگی می کرد.

اینجا داستانی از تابیتا هست که شفا پیدا میکنه تا کلام خدا برای جلال خدا در منطقه یافا پیش بره.

اعمال 6:3 – 10 مربوط به زمانیه که مرد لنگی شفا پیدا میکنه و شروع میکنه به جلال دادن مسیح و بسیاری از مردم از این واقعه در حیرت میافتند. آیات اینطور میگن :

پطرس گفت : “ما پولی نداریم که به تو بدهیم ! اما من چیز دیگری به تو می دهم ! در نام عیسی مسیح ناصری به تو دستور می دهم که برخیزی و راه بروی !” سپس دست او را گرفت و از زمین بلندش کرد. در همان لحظه پاها و قوزک پاهای او صحیح و سالم شد و قوت گرفت ، بطوری که از جا پرید، لحظه ای روی پاهای خود ایستاد و براه افتاد! آنگاه در حالی که بالا و پایین می پرید و خدا را شکر می کرد با پطرس و یوحنا داخل خانه خدا شد. اشخاصی که آنجا بودند، وقتی او را دیدند که راه می رود و خدا را شکر می کند، و پی بردند که همان گدای لنگی است که هر روز کنار دروازه “زیبای” خانه خدا می نشست ، بی اندازه تعجب کردند!

همینطور اعمال 16:3 میگه :

شما خود می دانید که این مرد فقیر قبلا لنگ بود. اما اکنون ، نام عیسی او را شفا داده است ، یعنی ایمان به نام عیسی باعث شفای کامل او شده است ، ایمانی که عطیه الهی است .

پس در پرتو این اهداف دعا کنید . به منظور گسترش کلام خدا ، انجیل و برای آسایش قوم خدا برای موفقیت در خدمت و برای جلال خدا و با ایمان برای شفا دعا کنید . این نوعی از ایمان هست که ما با اون دعا میکنیم . باز هم خواهش میکنم سوء تفاهم نشه وقتی میگم اگر ایمان کافی داشته باشیم ، منظورم این نیست که شفا به صورت خودکار جاری میشه . من فکر نمیکنم کتاب مقدس چنین تعلیمی داده باشه . برای شفا با ایمان دعا کنید چون ملکوت خدا اینجا هست . در لوقا 7:20 – 22 یحیی تعمید دهنده از اینجا آمدن پادشاهی خدا رو میدونه که کوران بینا میشن ، لنگان راه میرن ، جذامیان پاک میشن و کرها شنوا میشن . اون میگه :

آن دو شاگرد هنگامی نزد عیسی رسیدند که او افلیج ها، کورها و بیماران مختلف را شفا می بخشید و

ارواح پلید را از وجود دیوانگان اخراج می کرد. آنان سوال یحیی را به عرض او رساندند. عیسی در جواب فرمود: “نزد یحیی بازگردید و آنچه دیدید و شنیدید، برای او بیان کنید که چگونه نابینایان بینا می شوند، لنگ ها راه می روند، جذامی ها شفا می یابند، ناشنواها شنوا می گردند، مرده ها زنده می شوند و فقرا پیغام نجاتبخش خدا را می شنوند.

حضور عیسی در روی زمین نشانه این بود که پادشاهی در روی زمین هست. و اگر خدا امروز به عنوان مثال شفاهای معجزه آسایی جاری می کند به ما یادآوری می کند که پادشاهی مسیح بر روی زمین هست. اما ما همینطور با ایمان دعا می کنیم که پادشاهی بیاید. وقتی خدا شفا نمیده، ما باز هم به این حقیقت میچسبیم که پادشاهی تو می آید.

دوم قرننیاں 8:12 – 9 میگه :

سه بار به خداوند التماس کردم که مرا از آن رهایی دهد. اما او هر بار خواهش مرا رد کرد و فرمود: “من با تو هستم و همین تو را کافی است، زیرا قدرت من در ضعف تو بهتر نمایان می شود!” پس حال با شادی به ضعفهای خود می بالم. شادم از اینکه زندگی ام قدرت مسیح را نمایان می سازد، و نه توانایی ها و استعدادهای خودم را.

غلاطیان 13:4 – 14 میگه :

در آن زمان، وقتی انجیل را به شما بشارت دادم، با وجود ضعفی که در بدنم داشتم، مرا خوار و حقیر نشمردید. گرچه تحمل این ضعف بدنی من برای شما طاقت فرسا بود، با این حال از من بیزار نشدید، بلکه در عوض از من چنان استقبال و پذیرایی کردید که گویی فرشته ای از درگاه خدا یا حتی خود عیسی مسیح نزد شما آمده بود!

اول تیموتائوس 23:5 میگه :

خوبست که بجز آب، گاهی نیز برای ناراحتی معده ات، کمی شراب بنوشی، زیرا اغلب بیمار می شوی.

همینطور دوم تیموتائوس 20:4 میگه :

اراستوس، در قرنتس ماند؛ “تروفیموس” را نیز که بیمار بود، در میلیتوس ترک کردم و آمدم. اینها مثال هایی هستند که در اون شفای خدا جاری همیشه و مردم هنوز بیمار هستند. با وجودی که پیرو خدا هستند. پس ما با هدفی دعا می کنیم. با ایمان برای شفا دعا کنید اما میدونیم که روزی خواهد آمد که بدن های ما شفا خواهد یافت. رومیان 22:8 – 27 میگه :

چون می دانیم که حتی حیوانات و گیاهان نیز که گرفتار بیماری و مرگند، همچون زنی که در حال زاییدن است، درد می کشند و در انتظار این واقعه بزرگ، روزشماری می کنند. حتی ما مسیحیان، با اینکه روح خدا را بعنوان نشانه ای از شکوه و جلال آینده در خود داریم، با آه و ناله در انتظاریم تا از درد و رنج آزاد شویم. بلی، ما نیز با اشتیاق بسیار، منتظر روزی هستیم که خدا امتیازات کامل ما را بعنوان فرزندان، به ما عطا کند. یکی از این امتیازات، طبق وعده او، بدن تازه ای است که نه دچار بیماری می شود و نه مرگ بر آن قدرت دارد. ما با امید، نجات یافته ایم؛ و امید یعنی انتظار دریافت چیزی که هنوز نداریم؛ زیرا اگر کسی چیزی را در اختیار داشته باشد، نیازی نیست که به امید آن باشد. پس وقتی برای چیزی که هنوز رخ نداده، به خدا امیدواریم، باید با صبر و حوصله منتظر آن بمانیم. به این وسیله، یعنی بوسیله ایمان ما، روح خدا ما را در مشکلات زندگی و در دعاهایمان یاری می دهد، زیرا ما حتی نمی دانیم چگونه و برای چه باید دعا کنیم. اما روح خدا با چنان احساس عمیقی از جانب ما دعا می کند که با کلمات قابل توصیف نیست؛ و خدا که از دل ما باخبر است، می داند که روح القدس چه می گوید، زیرا آنچه که او بجای ما دعا می کند، طبق خواست خداست.

افسسیان 13:1 – 14 میگه:

بسبب فداکاری مسیح، همه شما نیز که پیغام نجات بخش انجیل را شنیدید و به مسیح ایمان آوردید، بوسیله روح القدس مهر شدید تا مشخص شود که متعلق به مسیح هستید. خدا از زمانهای گذشته، وعده داده بود که روح القدس را به همه ما مسیحیان عطا کند؛ و حضور روح القدس در ما، ضمانت می کند که خدا هرچه وعده داده است، به ما عطا خواهد فرمود. مهر روح خدا بر ما، نمایانگر اینست که خدا ما را باز خرید کرده و ضمانت نموده است که ما را به حضور خود ببرد. این نیز دلیل دیگری است برای آنکه خدای شکوهمند خود را سپاس گوئیم!

او بدنهای ما رو شفا خواهد داد و روزی ما روی او را خواهیم دید. مکاشفه 22:16 – 21

من، عیسی، فرشته خود را نزد شما فرستادم تا همه چیز را با کلیساها در میانگذارم. مناز اصلو نسباود هستم. منستاره درخشنده صبح میباشم. ”روح و عروسمیگویند: “بیا!” هرکس اینرا میشنود، بگوید: “بیا!” هر کشتنهایستنیاید، و هرکس مایلاستنیاید، و از آب حیات بهره ایگانبینوشد. بهکسی که پیشگوییهای این کتاب را میشنود با صراحت میگویم که اگر بهنوشتتهای این کتاب چیزی اضافه کند، خدا بلاهای این کتاب را بر سرش خواهد آورد. و اگر از این پیشگوییها مطلبی کم کند، خداوند او را از درخت حیات و شهر مقدس که آنرا شرح دادم، بی نصیب خواهد ساخت. کسی که این چیزها را گفته است، میفرماید: “بله، منیز و دیم آییم!” “آمین! ای عیسی خداوند، بیا!” فیض خداوند ما عیسی مسیح بر همه شما باد! آمین!

روح و کمال

روح اطمینان میده...

او بدنهای ما رو شفا میده و ما روی او رو خواهیم دید. این کاریه که روح میکنه. ما در مورد کارهایی که روح در زندگی ما میکنه خیلی صحبت کرده ایم. وقتی به آینده نگاه میکنیم اینها کارهاییه که روح انجام میده. اولاً روح بما اطمینان میده. ما به زندگی مسیح در ما دلگرم میشیم چون روح این اطمینان رو بما میده. و به این ترتیب میدونیم که او در ما زندگی میکنه. اول یوحنا 3:24 میگه:

هر کجا حکم خدا را بجا آورد، با خدا زندگیمیکند و خدا نیز با او. اینحقیقترا از آنروحپاککهدا بهما عطا فرموده‌است، دریافتکردهایم.

اول یوحنا 4:13 میگه:

خدا برایهمینروحپاکخود را در وجود ما قرار دادهتا بدانیمکهدا در ما ساکناستو ما در خدا. چیزی که در عهد جدید جالبه اینه که ما استعاره ها و تصاویر مختلفی میبینیم که شرح چگونگی اطمینان دادن روح القدس بماست. استعاره های خانواده: روح شهادت میده که ما فرزندان خدا هستیم. رومیان

15:8 – 17

پس همچون برده ها، رفتارمان آمیخته با ترس و لرز نباشد، بلکه مانند فرزندان خدا رفتار نماییم ، فرزندانیه که به عضویت خانواده خدا پذیرفته شده اند و خدا را پدر خود می خوانند. زیرا روح خدا در عمق وجود ما، به ما می گوید که ما فرزندان خدا هستیم . و اگر فرزندان خدا هستیم ، وارثان او نیز خواهیم بود. بعبارت دیگر، خدا تمام آن جلال و شکوهی را که به فرزند خود عیسی مسیح خواهد داد، به ما نیز عطا خواهد فرمود. اما اگر می خواهیم در آینده در جلال او شریک شویم ، باید اکنون در دردها و رنجهای او نیز شریک گردیم .

روح فرزند خوندگی.

استعاره های مالی: روح القدس بیعانه نجات ما هست. دوم قرنتیان 1:21 – 22

چنین خدایی است که من و شما را تبدیل به مسیحیان وفادار کرده و ما را مأمور نموده تا پیغام انجیل او را به همگان برسانیم ؛ و مهر مالکیت خود را بر ما زده ، و روح القدس را بعنوان بیعانه برکات آینده در دلهای ما نهاده است .

او ما رو مسح میکنه، مهر مالکیت بر ما میزنه، و روح خودش رو بعنوان بیعانه در دل ما قرار میده،

آینده رو تضمین میکنه. روح تضمینی هست مثل قسط اول. او میگه : بقیه اش خواهد آمد. این استعاره ای مالی هست.

استعاره کشاورزی: روح نوبر نجات ما هست. رومیان 23:8

حتی ما مسیحیان ، با اینکه روح خدا را بعنوان نشانه ای از شکوه و جلال آینده در خود داریم ، با آه و ناله در انتظاریم تا از درد و رنج آزاد شویم . بلی ، ما نیز با اشتیاق بسیار، منتظر روزی هستیم که خدا امتیازات کامل ما را بعنوان فرزندانش ، به ما عطا کند. یکی از این امتیازات ، طبق وعده او، بدن تازه ای است که نه دچار بیماری می شود و نه مرگ بر آن قدرت دارد.

درست همونطور که نوبر وقتی میرسه خبر از آمدن محصول میده. روح درون شما! خبر میده که این همه چیزی نیست که خواهد بود. بیشترش در راه هست. استعاره قانونی: روح یک مهر هست. افسسیان

14 – 13:1

بسبب فداکاری مسیح ، همه شما نیز که پیغام نجات بخش انجیل را شنیدید و به مسیح ایمان آوردید، بوسیله روح القدس مهر شدید تا مشخص شود که متعلق به مسیح هستید. خدا از زمانهای گذشته ، وعده داده بود که روح القدس را به همه ما مسیحیان عطا کند؛ و حضور روح القدس در ما، ضمانت می کند که خدا هرچه وعده داده است ، به ما عطا خواهد فرمود. مهر روح خدا بر ما، نمایانگر اینست که خدا ما را باز خرید کرده و ضمانت نموده است که ما را به حضور خود ببرد. این نیز دلیل دیگری است برای آنکه خدای شکوهمند خود را سپاس گوئیم !

خواهران و برادران شما مهر شده اید. شما مهری دارید که وعده روح القدس برای تضمین میراث آسمانی شماست. به ما تضمین داده شده که روزی خواهد آمد که بدنهای ما شفا خواهد یافت و روی او رو خواهیم دید. این تضمین شده چون او شما رو مهر کرده. روح جلال میده...

روح اطمینان میده، و روح جلال میده. روح کار تقدیس رو در فرزندانش به کمال خواهد رسوند. دوم قرنتیان 17:3 – 18 میگه:

خداوند روح حیات بخش است ، و هر جا که روح خداست ، در آنجا آزادی است ، آزادی از تلاش و تقلا برای رسیدن به رستگاری از راه انجام تشریفات مذهبی . اما ما مسیحیان نقابی بر صورت خود نداریم و همچون آینه ای روشن و شفاف ، جلال خداوند را منعکس می کنیم ؛ و در اثر کاری که خداوند یعنی روح القدس در وجودمان انجام می دهد، با جلالی روزافزون ، بتدریج شبیه او می شویم .

غلاطیان 5:5

و لیکن ما به یاری روح القدس ، بسبب ایمانی که داریم ، در حضور خدا بی گناه محسوب می شویم .

او کار تقدیس رو در فرزندانش به کمال خواهد رسوند. مکاشفه 17:22 می‌گه:
روح عروسمی‌گویند: “بیا!” هرکس اینرا میشنود، بگوید: “بیا!” هر که‌تشنه‌استیاید، و
هرکس مایلاستیاید، و از آب‌حیات‌بهرایگان‌بنوشد.
بعد به انتهای مکاشفه 22 میرسید و نویسنده می‌گه: روح می‌گوید آمین، بیا، ای عیسی، ای خداوند.
زود بیا.
روح درون ما تمام کار های او رو تأیید می‌کنه و برای روزی که مسیح رو ببینیم فریاد می‌زنه. وقتی که
او رو رودر رو ببینیم نجات را به کمال تجربه خواهیم کرد.

مجوز رسمی

شما مجاز هستید و ما تشویق می‌کنیم که این مطالب را تکثیر و توزیع نمائید. یادآوری می‌کنم که هیچ
گونه تغییری در محتوی این مطالب مجاز نیست. لطفاً در پایان نسخه های تکثیر شده این عبارت را قید
نمائید:

By David Platt. © David Platt & Radical

Website: Radical.net